

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۷۴

جمعه ۶ خرداد ۱۴۰۱، ۲۷ مه ۲۰۲۲

### جراحی اقتصادی و پیامدهای آن برای مردم

#### کاظم نیکخواه

گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه تلویزیونی خط رفاه

**حسن صالحی :** در برنامه این هفته میخواهیم در مورد اوضاع اقتصادی ایران و پیامدهایی که برای کارگران دارد صحبت کنیم. مهمان این هفته برنامه ما کاظم نیکخواه است. کاظم نیکخواه خوش آمدید کاظم نیکخواه ما در هفته های گذشته شاهد این بودیم که قیمت یک سری اجناس مثل آرد، نان، لبنیات، مرغ، و تخم مرغ به طرز عجیبی افزایش پیدا کرد و به صورت زنجیره ای این افزایش قیمتتها همچنان هم ادامه دارد. تازه ریسی گفته است که "تصمیمات سخت تری" هم در پیش است. چه اتفاقی دارد می افتد؟

**کاظم نیکخواه:** اول اشاره کنم که کلا در ایران ما مدام با این شوکهای اقتصادی به مردم مواجه هستیم. خیلی وقتها انسان فکر میکند واقعا مردم در این کشور چگونه دارند زندگی میکنند. اساس مساله اگر بخواهم خلاصه بگویم اینست که اقتصاد جمهوری اسلامی یک اقتصاد عمیقا بحران زده و بیمار است و از امراض زیادی رنج میبرد که قابل علاج نیست و به فلج کامل نزدیک شده است. این اقتصاد همزمان هم دچار رکود است و هم تورم. معمولا اقتصادهای سرمایه

داری یا دچار بحران رکود میشوند یا تورم. و راه حلهایی برای هرکدام از اینها در پیش میگیرند که تخفیف پیدا کند تا دور بعدی. اقتصاد جمهوری اسلامی از هردوی این نوع بحران ها آنهم در حد بسیار عمیقی رنج میبرد. در نتیجه اگر اقدامی مثلا برای تخفیف رکود صورت بگیرد مثل تزریق پول و غیره، تورم افزایش پیدا میکند. یا اگر در برابر تورم اقدامی صورت گیرد رکود افزایش پیدا میکند. اساس مساله این اقتصاد هم اینست که این اقتصاد یک اقتصاد دزد سالار و مافیائی است. اقتصاد قاچاق است. یعنی دزد سالاری و مافیا و مصادره اموال و قاچاق و فساد و رانت خواری، اجزاء جدایی ناپذیر اقتصاد جمهوری اسلامی است. وقتی که جمهوری اسلامی سر کار آمد یک بحران اقتصادی از زمان شاه شروع شده بود. دلارهای نفتی در دهه پنجاه شمسی به اقتصاد ایران تزریق شد. قیمتتها جهشی افزایش پیدا کرد. بخش زیادی از مردم خانه خراب شدند. شورشها و اعتراضات از خارج محدوده شروع شد و نهایتا حکومت پهلوی سقوط کرد. آن بحران وارد جمهوری اسلامی شد. اما جمهوری

ادامه در صفحه ۹



### مسبب فاجعه متروپل حاکمیت اسلامی تاراجگران است

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۵ مه ۲۰۲۲

صفحه ۲

### متحد و یکپارچه در همبستگی با مردم آبادان! حمید نقوایی

ادامه در صفحه ۲

### سلام درمانده سیانک بهاری

ادامه از صفحه ۳

### طومار اعتراضی معلمان در ایران خطاب به سازمان جهانی کار...

شهلا دانشفر

ادامه در صفحه ۴

### یک سوال از سیاوش مدرسی دبیر تشکیلات خارج کشور حزب

ادامه در صفحه ۵

### آخرین وضعیت مذاکرات هسته ای محمد شکوهی

ادامه در صفحه ۶

### کارگران آتش نشانی تهران به آبادان رسیدند اما ...

ادامه از صفحه ۸

### جمهوری اسلامی و مدافعینش شکست خوردند! مسابقه فوتبال در ونکوور لغو شد!

ادامه در صفحه ۱۱



اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران. کمیته کردستان، کمیته آذربایجان، کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری- واحد خوزستان

ادامه از صفحه ۱۲

### لیست شماره ۶ کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب و کانال جدید

صفحه ۱۶

## مسبب فاجعه متروپل حاکمیت اسلامی تاراجگران است

ادامه از صفحه ۱  
جانباختن شمار بسیاری از مردم در جریان فروریزی ساختمان متروپول نتیجه فساد و تقلب و دزدی در تار و پود مافیای حاکم است که همه چیزش حتی ساختمانها بر بنیاد تاراج بنا شده است.  
پاسخ به مافیای

جنایتکار اسلامی حاکم، اعتراضات گسترده مردمی و اعتصابات سراسری است. حزب کمونیست کارگری همه بخش های کارگران در استان خوزستان بویژه کانون های داغ اعتراضی چون مجتمع نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و مراکز نفتی را به پیوستن به اعتصاب کارگران پتروشیمی

و پالایشگاه آبادان فرا میخواند. بلایی که امروز بر سر ساختمان متروپل آبادان آمد، بارها تکرار شده و چند سال پیش در ابعادی گسترده و فاجعه بار در آتش سوزی پلاسکوی تهران نیز جانهای بسیاری را گرفت. همانگونه که کارگران پالایشگاه و پتروشیمی

آبادان اعلام کرده اند باید به این بساط ظلم و چپاول خاتمه داد. حزب کمونیست کارگری بر همبستگی وسیع مردم سراسر کشور با بازماندگان فاجعه متروپول و اعتصابات گسترده حمایتی با آنها تاکید میکند. در سطح استان خوزستان نیز باید وسیعا به اعتراض

مردم آبادان پیوست.

سرنگون باد جمهوری اسلامی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۵ مه ۲۰۲۲

## متحد و یکپارچه در همبستگی با مردم آبادان!

حمید تقوائی



**جمعیت چشمگیر معترضان  
آبادان؛ تصویری از اتحاد مردم  
علیه جنایت متروپل**

مانده اند باید نجات پیدا کنند. اما جمهوری اسلامی بجای امداد رسانی، نیروهای انتظامی و سرکوبگرش را به سراغ مردم فرستاده است. اعتراضات ما میتواند حکومت را عقب براند و مجبورش کند که به نجات جان این عزیزان بشتابد. جنبه دوم اهمیت این اعتراضات اینست که بر متن یک خیزش عمومی علیه سونامی تورم و گرسنگی و شرایط غیر قابل تحمل معیشتی صورت میگردد. اعتراضات توده ای و گسترده ای که علیه حکومت شکل گرفته و شهرهای خوزستان خودشان پیشکسوت آن هستند.

ظرف ۴۸ ساعتی که از فاجعه ریزش برج متروپل آبادان میگذرد در رسانه ها، در مدیای اجتماعی، و در سطح خیابان اعتراضات گسترده ای در پاسخ به این فاجعه شکل گرفته است. اعتراضاتی که یک نقطه اوجش دیروز بود. دیروز ۴ شنبه ۴ خرداد مردم آبادان در سطح گسترده ای به خیابانها ریختند و فریاد اعتراضشان را علیه مسئولین و علیه حکومتی که باعث و بانی این فاجعه است بلند کردند. همینجا به مردم آزاده آبادان درود میفرستم و برایشان آرزوی پیروزی دارم.

این اعتراضات از دو جنبه حائز اهمیت است. جنبه اول از این نظر است که علیه جنایتی صورت میگیرد که هنوز جاری است، هنوز ادامه دارد. هنوز تعدادی از قربانیان این حادثه که در زیر آوار

که این حکومت بر جامعه تحمیل کرده است.

با آرزوی پیروزی!

حمید تقوائی

۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۶ مه

۲۰۲۲

از صفحه فیس بوک حمید تقوائی

نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز میتوانند نقش تعیین کننده ای ایفا کنند.

امیدوارم شاهد یک جنبش عمومی گسترده باشیم علیه جمهوری اسلامی، در اعتراض به جنایت در آبادان و در اعتراض به تمام مصائب

بازنشستگان و همه بخشهای معترض جامعه متحد و همبسته بمیدان بیائیم، از اعتراضات مردم آبادان حمایت کنیم و علیه این جنایت حکومت فریاد اعتراضمان را بلند کنیم. بویژه در این میان کارگران خوزستان، کارگران نفت،

جا دارد که امروز همه ما فعالین و کمیته ها و شوراهای و تشکلهای در جنبشهای اعتراضی، در جنبش کارگری، در جنبش دادخواهی، معلمان،

# اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran



سیامک بهاری

## سلام در مانده!

اخیراً سرودی تحت عنوان "سلام فرمانده" توسط اطلاعات سپاه پاسداران تهیه و به کمک وزارت آموزش و پرورش و بکارگیری اجباری ۳۱۳ دانش‌آموز متولد دهه نود، چندین بار به اجرا در آمده است.

### کودک‌آزاری

ایدئولوژیک  
کشاندن کودکان به نمایش حمایت از حاکمان دیکتاتور، از سرود هیتلر رهبر ماست تا صدام زر و گوهر است و قذافی پدر ملت است و جان ما فدای کیم جونگ اون و . . . ، آنچه‌ان نخ نماست که به سرعت به ضد خودش بدل می‌شود. آنقدر کل ماجرا بی بنیه است که اجرای این سرود حتی در میان خودی‌های خودشان هم شکاف انداخت و علی‌علیه‌اش نوشتند.

این به اصطلاح سرود جدای از ادبیات بی مایه و لاطائلات آن، به واقع و عمیقاً فرهنگ کودک ستیز جمهوری اسلامی را نمایندگی می‌کند. مضمونی سراپا نظامی و امنیتی دارد. استفاده نظامی و امنیتی از کودکان را به یک ارزش ایدئولوژیک بدل می‌کند. پرورش محض به حیات و ذهن کودک است. خصلت‌نما و چکیده "سند تحول بنیادین" و استراتژی حکومت اسلامی برای ایجاد یک آموزش و پرورش پادگانی است. آینده تمام نمایی از کودکی در جمهوری اسلامی است.

این درک مالیخولیایی و ضد کودک، منطبق بر آموزش و پرورش پادگانی و مضامین و محتویات کتابهای درسی در جعل تاریخ و جفنگیات مذهبی و شهید پروری و جبهه جنگ و عملیات استشهادی است. تمام آینده‌ای که قرار است برای کودکان ترسیم شود همین عبودیت و اطاعت و فدا شدن برای رهبر است.

حالا برای این حکومت وامانده، نسل دهه نودی‌های ده یازده ساله مانده تا با استفاده ابزاری از این کودکان و با توسل به

و سودا می‌شود. اینجا هم "فرمانده" نقش همه جانبه و اصلی را در ویران کردن آموزش و پرورش و تبدیل آن به یک تجارتخانه بازی می‌کند. این بخشی از اجرایی شدن "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" است که به دستور شخص خامنه‌ای تهیه و در دست اجراست.

جهنم بازار بیرحم کار زیر پای میلیونها دانش‌آموز دهان باز کرده است تا به دلیل عدم استطاعت مالی آنها را ببلعد.

بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی همین حکومت درمانده، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه شهروندان تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. حالا دولت در صدر آموزش پولی و کالایی تلاش دارد بازار خصوصی سازی مدارس را گرم نگهدارد.

تکلیف با این حکومت انسان ستیز مشخص است. برای دفاع از حقوق کودکان و نجات کودکان و کل جامعه از شر آموزش و پرورش ایدئولوژیک و کالایی، برای برای برپایی یک آموزش و پرورش شاد، انسانی و با استانداردهای علمی معتبر و متحقق کردن مطالبه "کودکان مقدمند بر هر منفعت ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی" باید جمهوری اسلامی را به زیر کشید.

آموزش و پرورش ضد علم و ضد کودک و نظام کالایی و خصوصی سازی به مطالبات بحق جامعه بدل شده است.

وام برای پرداخت شهریه بی جهت نیست که سرود سلام فرمانده نزد مردم به سرود سلام وامانده بدل می‌شود. هم‌زمانی فرمایشی این سرود، با اعتراض وسیع مردم جان به لب آمده علیه گرانی همراه است. در این میان کالایی به نام شهریه مدارس آنچه‌ان گران خواهد شد که خانواده‌های بسیاری، توان پرداختش را ندارند و فرزندشان ناگزیر از چرخه تحصیل به بازار بیرحم کار پرتاب خواهد شد. این حقیقت واقعی وضعیت کودکان دهه نودی است!

احمد محمودزاده معاون وزیر آموزش و پرورش می‌گوید تا سی میلیون تومان وام بانکی برای پرداخت شهریه می‌پردازند. این یعنی هزینه نامنویسی در مدارس چنان نجومی خواهد شد که باید تا سی میلیون تومان وام بگیریم. آنهم اگر مشمول گرفتن وام بشوی و توان پرداخت آنرا داشته باشی. آموزش و پرورش که دیگر تمام قد به یک مؤسسه مالی و تجاری بدل شده است در بزنگاه گرانی به جای رایگان کردن آموزش، به فکر گران‌تر کردن کالایی به نام آموزش در بازار سود

کودکی که عمیقاً به پدر و مادر متکی است باید بخواند: «بابی انت و امی» یعنی پدر و مادرم فدای تو، در قدم اول آنها را فدای رهبر کن! سپس این کودک خودش سرباز گمنام و رهبر جبهه جنگ بشود، این روان پریشی اما همچنان تا "علی‌ابن مهزیار اهوازی" و آیت‌الله بهجت و حاج قاسم شدن ادامه دارد و نهایتاً باید برای سید علی شهید و در راه او فدا شود.

ابلهانه ۳۱۳ کودک به نشانه تعداد صحابه مهدی غایب در هنگام ظهور به این جا و آنجا می‌برند تا این همخوانی رقت‌آور را اجرا کنند. سرمایه گذاری جمهوری اسلامی برای اجرای مکرر این سرود چهره وحشت‌زده حکومتی را آشکار می‌کند که برای روحیه دادن بخودش از سر ناچاری به کودکان دهه نود روی آورده است. جمهوری اسلامی بخوبی واقف است که نسل جوانی که خواسته مغزشوپی‌اش کند، کل بساط خرافه مذهب را به هم زده است. زیر بار این اراجیف نمی‌رود. به کمتر از یک زندگی مدرن و امروزی رضایت نمی‌دهد. این بازی مضحک سرودخوانی عمق درماندگی و پیسی حکومتی است که دارد باسیلی صورتش را سرخ می‌کند.

چهره واقعی جامعه، طوفانی از خیزش‌های اجتماعی علیه حکومت است. اعتراضات شکوهمند معلمان علیه وضعیت فاجعه بار

# نابود باد حکومت داعشی اسلامی





شیهلا دانشگر

## طومار اعتراضی معلمان در ایران خطاب به سازمان جهانی کار وسیعاً از این اقدام حمایت و پشتیبانی کنیم

سرکوبگری های حکومت می باشد. این حرکت یک پیشروی بزرگ در جنبش کارگری در جلب همبستگی جهانی کارگری است. باید از این طومار وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

در همین راستا "فری دم ناو" کمپین برای آزادی کارگران در ایران طی نامه ای به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی معلمان زندانی، کارگران دریند و زندانیان سیاسی، پایان دادن به پرونده سازی های امنیتی و خاتمه

اعلام شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده تا کنونی شده است. فری دم ناو با تاکید به اینکه حکومت اسلامی نماینده کارگران و مردم نیست بلکه سرکوبگر مردم است بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و اخراج آن از تمامی مراجع بین المللی از جمله از سازمان جهانی کار تاکید کرده است. کمپین از تمام اتحادیه های کارگری و نهادهای بین المللی خواستار این شده است که به نهادی چون سازمان جهانی کار که همواره با حکومت هایی مثل حکومت اسلامی مماشات کرده است فشار بیاورند و با حکومت ایران همانگونه رفتار شود که در قبال حکومت نازبست هیتلری و دولت نژاد پرست

آفریقای جنوبی شد. ما با همین گفتمان هر ساله با حضور خود تلاش کرده ایم اجلاسهای سازمان جهانی کار را به محل اعتراض علیه حضور

تلاش خود را به کار بندند: الف) رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمام دستگیر شدگان.

ب) ملزم کردن دولت ایران به احترام به حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدگیران در زمینه آزادی ایجاد و یا پیوستن به شکل مستقل صنفی و کارگری، احترام و رعایت حق آزادی بیان و حق تجمع مسالمت آمیز بدون بیم و هراس از دخالت نیروهای امنیتی.

ج) بررسی و اقدام در مورد اعزام هیاتی بین المللی تحت هماهنگی گروه کارگری سازمان جهانی کار و فدراسیون های بین المللی اتحادیه ای، جهت بررسی شرایط نیروی کار در ایران، نشست با تشکل های مستقل صنفی و دیدار از فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده های آن ها.

د) تقاضای اخراج نمایندگان دولت ساخته ای ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آن ها در این هیات مدیره به دلیل نقض مداوم مقاوله نامه های بین المللی و عدم پاسخگویی نسبت به سرکوب متداوم تشکلهای و فعالین اتحادیه ای و صنفی در ایران

انتشار طومار اعتراضی معلمان و فعالین کارگری خطاب به شرکت کنندگان در سازمان جهانی کار یک اقدام مهم و جهت دهنده است، و صدای اعتراض همه کارگران و مردم علیه

های نمایندگی شرکت کننده در اجلاس خواستار محکوم کردن سرکوب تشکل های مستقل صنفی و کارگری و اعضای آنها توسط دولت ایران شده و فشار آوردن به دولت ایران برای آزادی فوری و بی قید و شرط تمام معلمان دستگیر شده، فعالین کارگری بازداشتی و معترضان بازداشت شده و پایان دادن به سرکوب کارگران و تشکل های مستقل کارگری و صنفی و احترام به حقوق پایه ای آزادی تشکل طبق مقاوله نامه های جهانی ۹۸ و ۸۷ و "بیانیه اصول و حقوق بنیادین در کار" و رعایت آن شده اند. در همانجا معلمان با تاکید اینکه اتحادیه های کارگری مستقل ایران در کنفرانس بین المللی کار نماینده ای ندارند، «اتحادیه های کارگری» شرکت کننده از ایران در این اجلاس را نمایندگان تشکلهای دولت ساخته میخوانند.

در خاتمه معلمان با اشاره به لیستی از معلمان و کارگران بازداشتی از روز جهانی کارگر بدین سو، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه آنها شده و مینویسند: "ما امضا کنندگان این نامه هم چنین و به طور مشخص از هیات های کارگری شرکت کننده در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار درخواست داریم موارد فوری زیر را به صورت ویژه در دستور کار اجلاس قرار داده و مصرا نه تقاضا داریم که در راستای تصویب و اجرایی کردن آن ها تمام

گزارش" طی تلاشی مذبحانه و نخ نما، تلاش شد فعالین صنفی ایران را به همکاری با "جاسوسان" خارجی متهم کنند." و بعد با اشاره به موج وسیع اعتراض در پی انتشار این سناریوسازی مسخره و نفرت انگیز حکومتی خواست معلمان در این طومار اعتراضی از هیات های نمایندگی شرکت کننده در این اجلاس محکوم کردن اقدام دولت ایران در نقض فرایندهای حقوق کارگران و معلمان و به خصوص نقض حق تشکل یابی مستقل و حق اعتراض است. و با تاکید بر اضطراری بودن این درخواست در ادامه آن چنین آمده است: "این نقض حقوق بدیهی یک امر بسیار اضطراری است زیرا از یازدهم اردیبهشت ماه و روز جهانی کارگر به این سو، تعدادی از فعالین صنفی و مردم متعرض، بازداشت شده، تحت بازجویی قرار گرفته و به موارد جدی اما کاملاً بی پایه ای همچون اقدام علیه امنیتی ملی متهم شده اند. فقط به این دلیل واضح که دولت ایران میخواهد جنبش مستقل کارگری و صنفی در ایران و اعتراضات برحق مردم زحمتکش و تحت ستم را خاموش کند. موارد نقض حقوق بدیهی و پایه ای کارگری و صنفی در حالی توسط دولت ایران انجام می شود که این دولت عضو از هیات مدیره سازمان جهانی کار است." معلمان در ادامه طومار اعتراضی خود همچنین با اشاره به دستگیری تعداد زیادی از اعضای کانون های صنفی معلمان، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، و اعضای سایر تشکل های مستقل کارگری و صنفی و مردم معترض در ماه ها و روزهای اخیر به علت پیگیری خواستها و مطالباتشان و قراردادن آنها تحت بازداشت و یا حبس و بازپرسی، از هیات

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران و شمار دیگری از تشکل های صنفی طوماری اعتراضی خطاب به شرکت کنندگان در یکصد و دهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (ILO) که در ۲۷ ماه مه آغاز میشود نوشته اند، و توجه نمایندگان کنفرانس را به سرکوب های اخیر حکومت علیه معلمان و نمایندگان کانون های صنفی و فعالان کارگری صنفی در ایران توجیب کرده و خواستار محکوم کردن اقدام حکومت در نقض فرایندهای حقوق کارگران و معلمان شده و اخراج نمایندگان حکومت اسلامی از هیات مدیره سازمان جهانی کار را خواستار شده اند. این یک اقدام مهم از سوی تشکلهای معلمان است و باید وسیعاً مورد حمایت همه معلمان و کارگران قرار گیرد.

در بخش مقدماتی این طومار اعتراضی معلمان با اشاره به سیاست های اقتصادی دولت ایران طی سالیان گذشته، به خصوص در ماه های اخیر، با اشاره به فقر و فلاکت گسترده ای که برای عموم مردم، به ویژه برای مزدگیران و کارگران ایجاد شده، با اشاره به فاصله طبقاتی گسترده و کوچک شدن سفره معیشتی مردم و نیز با اشاره به اعتراضات مردمی در نتیجه این سیاستها، سیاست سرکوبگرانه حکومت را محکوم میکنند. بعنوان یکی از وجوه این سرکوب ها، طومار مزبور به تشدید فشارهای امنیتی علیه فعالین شناخته شده صنفی، معلمان، کارگران و بسیاری از مردم معترض و دستگیریها، بویژه سناریوی کذب و پوشالی اخیر که از صدا و سیمای دولتی علیه فعالین شناخته شده معلمان و کارگران پخش شد، اشاره میکند و چنین میگوید "در این شبه



## در مورد چند آکسیون در خارج کشور علیه حکومت اسلامی

یک سوال از سیاوش مدرس‌سی دیبر تشکیلات خارج کشور حزب

موفقیت‌های چشمگیری داشته است که نهایتاً به لغو کامل مسابقه با تیم جمهوری اسلامی در کانادا منجر شد. که یک موفقیت بارز بود.

اجازه بدهید در انتها از تلاش شبانه روزی تک تک اعضا و هواداران حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور چه در تشکلهای حزبی و چه در نهادهای مورد تأیید حزب قدر دانی و تشکر کنم. بدون تلاش شبانه روزی این عزیزان این پیشروی‌ها ممکن نبود. امیدوارم بزودی جشن پیروزی و سرنگونی جمهوری اسلامی را در تمام شهرها و مناطق در ایران همدوش و همراه برگزار کنیم.

همصدایی با مبارزه معلمان و تلاش برای پوچ کردن توطئه‌های نخ‌نما در خارج کشور نیز از جمله فعالیت‌های حزب در خارج کشور بود. لازم به یاد آوری است که این فعالیت‌ها بوسیله اعضا و کادرهای ما در نهادهای مورد تأیید حزب نمایندگی میشود و بخوبی پیش رفته است و همکاری حزب با این نهادها بسیار خوب، موفق و موثر پیشرفته است.

در حال حاضر مبارزه برای بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی در کانادا و بخصوص در ونکوور با قدرت پیش میرود و کمیته امریکای شمال حزب در کنار و همراهی با خانواده‌های اوکراینی

و حتی اعتصاب غذا در داخل زندانهای رژیم بود. این همصدایی و همبستگی معنا و رنگ دیگری به تلاش پی‌وقفه رفقای ما داده است که قدرت بیشتری به ما میدهد، و همصدایی، همزمانی و همبستگی در داخل و خارج کشور توان بسیار بالایی به مبارزات ما در داخل و خارج کشور داده است.

ما تلاش داریم که همزمان مبارزات مردم در داخل را در خارج کشور همراهی کنیم. در مبارزات کارگری، مبارزات معلمان، مبارزه برای لغو حکم ضد بشری اعدام، مبارزه بازنشستگان، زنان، جوانان و غیره همراهی و همسنگرانی را همراهی و همصدایی کنیم.

و توانای تشکیلات حزبی ما بیش از پیش حرکت در آمد و تاثیر بسیار کارآمدی داشت. آکسیون دفاع از دادگاهی کردن حمید نوری یکی از مهره‌های اصلی کشتار سال ۱۳۶۷ با تلاش خانواده‌های جانباخته و چهره‌های جنبش دادخواهی به محاکمه کلیت رژیم از آغاز تا امروز تبدیل شد و حزب ما و نهاد مورد تأیید حزب یعنی "کمیته علیه اعدام" در آن نقش برجسته‌ای داشت.

بعلاوه آکسیون علیه اعدام آقای احمد رضا جلالی همزمان در ۱۱ شهر کلیدی در جهان سازمان داده شد و بسیار موفق بود و بازتاب وسیعی در مدیای اجتماعی در کشورهای اروپایی و فارسی زبان داشت. ارتباط با بنیادهای مدافع حقوق بشر، با اتحادیه‌ها و تشکلهای صنفی و اعتراض بویژه به دولت سوئد برای تلاش برای رهایی بدون قید و شرط احمد رضا جلالی، باعث شد که رژیم اسلامی نتواند در سکوت به سیاست گروگانگیری و قتل انسانها دست بزند. ویژگی مهم این آکسیون همزمان بودن آن با اعتراض در داخل کشور

انترناسیونال: سیاوش مدرس‌سی اخیراً تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در ارتباط با دادگاه حمید نوری و بعد مساله حکم اعدام احمد رضا جلالی و همچنین اعتراضات معلمان فعالیتهایی به جریان انداخت که چشمگیر و موفق بوده است. اگر ممکن است در این رابطه توضیحی به خوانندگان نشریه بدهید که چه کارهایی انجام شده است؟

سیاوش مدرس‌سی: اجازه بدهید بدواً به این موضوع اشاره داشته باشم که تشکیلات خارج کشور حزب بخش علنی تشکیلات حزبی ماست و در واقع نوک قله کوه یخ کل حزب است. حوزه فعالیت ما در خارج کشور بسیار وسیع است و نسبت به داخل ایران طبعاً بقول معروف دست وبالمان باز است. گرچه در شرایط کنونی جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه در داخل نیز بسرعت بسمت در هم شکستن سدهایی میرویم که حکومت دیکتاتوری اسلامی ۴۳ سال است که تحمیل کرده است.

چند آکسیون معینی که از آنها اسم بردید یعنی آکسیونها در ارتباط با دادگاه حمید نوری و حکم ضد بشری اعدام احمد رضا جلالی، آکسیون برای آزادی معلمان زندانی و آکسیون بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی در کانادا تنها چند آکسیون اخیر از سلسله فعالیت‌های ما در خارج از کشور بوده و هستند. خوشبختانه همین امروز مطلع شدیم که مسابقه با تیم ورزشی جمهوری اسلامی در کانادا لغو شده است و این یک موفقیت برای مردم است. با سازماندهی تشکیلات اسکاندیناوی حزب در چند ماه گذشته، سازماندهی کمیته حزبی امریکای شمالی و تحرک جدید در تشکیلات آلمان، فعالیت‌های ما جان تازه‌ای گرفت، نیروی بسیار کارآمد







## آخرین وضعیت مذاکرات هسته ای

محمد شکوهی

الله و گروههای تروریست حامی اش ضعیف تر شده اند. در عراق مردم دار و دسته های مورد حمایت رژیم را زیر ضرب گرفته اند. در همین حال اعمال تحریمهای آمریکا هم ادامه دارد. در کنار فاکتورهای منطقه ای، یک فاکتور بسیار مهم و قدرتمند دیگر، مبارزه و اعتراضات مردم در داخل بر علیه حکومت است. نتیجه فشار اعتراضات مردم در داخل و بر علیه رژیم، اوضاع و صفوف حکومت را درهم ریخته و به ضعیف ترین و درمانده ترین دوره حیات رژیم رانده است. اینکه این فشارها به نتیجه خواهد رسید یا نه و آیا آمریکا و غرب موفق خواهند شد جمهوری اسلامی را پای احیای توافق وین بکشانند، علیرغم اینکه نشانه های زیادی در این مسیر دیده نمیشود، اما در وضعیتی که کل حکومت در آن گیر کرده، دوران انتظار هم نیست. تجربه نشان داده که رژیم وقتی موجودیتش را در خطر ببیند، حاضر به هر "نرمش فهرمانانه ای" می باشد. یکی از خطرات بسیار بزرگ و یک تهدید واقعی و جدی علیه کل نظام اسلامی، بازگشت و اوج گیری اعتراضات مردم علیه حکومت است که هر از چند وقتی و با فواصل کوتاه ولی هر بار قدرتمند تر از قبل به میدان آمده و موجودیت نظام را تهدید می کند.

تلاش ها و تقلایهای هسته ای حکومت نه فقط اهرم فشار برای امتیاز گیری از غرب، بلکه بعلاوه از نظر سران

خامنه ای را قانع کنند که هر توافقی بهتر از هیچ توافقی بوده چرا که کل نظام از هر طرف زیر فشار بوده و اوضاع داخلی و منطقه ای حکومت روز بروز نگران کننده تر شده است.

جمهوری اسلامی در طول سالیان گذشته از تلاش های هسته ای اش به عنوان اهرم اعمال فشار به غرب برای گرفتن امتیازات بیشتر استفاده کرده است. غرب و کشورهای اروپایی منهای آمریکا هم متوجه هستند که از زمان امضای توافق هسته ای ( ۲۳ تیر ۱۳۹۴ برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ ) جمهوری اسلامی به همه تعهداتی که داده بود عمل نکرده است. در دوره ترامپ که آمریکا از توافق خارج شد، تلاش های هسته ای حکومت، تشدید غنی سازی ۶۰ درصدی، ساخت تاسیسات جدید هسته ای و سانتریفوژ سازی و صادرات دورین های نصب شده آژانس در مراکز هسته ای و... سرعت و شدت بیشتری گرفته است. همزمان عربده کثی های تروریستی و تهدید اسرائیل و سازماندهی مجدد عملیات تروریستی علیه این کشور را از سر گرفته است.

در طول این چند ماه گذشته مجموعه تحولاتی به ضرر جمهوری اسلامی در منطقه شکل گرفته است. در سوریه اسرائیل مدام مواضع رژیم و گروههای تروریستی مورد حمایتش را بمباران می کند. در یمن دست و پای رژیم را تا حدودی موفق شده اند ببندند. در لبنان حزب

ایران، موضوع قرار دادن اسم سپاه قدس سپاه در لیست گروههای تروریستی را به جای کل نیروی سرکوبگر سپاه پاسداران مطرح کرد که با مخالفت آمریکا روبرو شد. علاوه بر این آمریکا خواهان پایان دادن به تلاشها و حمایتهای جمهوری اسلامی از تروریسم در غزه و اسرائیل و توقف تلاشهای حکومت اسلامی برای تشدید حملات گروههای مورد حمایتش در داخل اسرائیل شده است. موضوعی که جمهوری اسلامی با آن مخالفت کرده است.

اما در درون حکومت، علیرغم رجز خوانی خامنه ای در مورد مخالفت با خواستههای آمریکا، صداها در مورد "ضرورت رسیدن به توافق" بلندتر شده است. از هیات مذاکره کننده رژیم در وین گرفته تا رئیسی و برخی مقامات دولتی رسیدن به توافق مورد قبول دو طرف را یک ضرورت برون رفت از این وضعیت بحرانی می دانند. طرفداران رسیدن به توافق با اشاره به موقعیتی که رژیم در آن قرار دارد، بویژه اثرات و تبعات تحریمها بر اقتصاد زمین گیر شده حکومت، در کنار اوج گیری اعتراضات ضد حکومتی و خطرات آن برای رژیم، رسیدن به توافق را "فرجی" برای کل نظام دانسته و راه برون رفت از بحران تمام عیار که حکومت در آن گیر کرده، می دانند. صف مخالفان و موافقان احیای توافق هسته ای در درون حکومت به هم نزدیکتر شده است. باندهای حکومتی در تلاش هستند

جمهوری اسلامی به "برهه دشواری" رسیده است. گروسی گفته: "فکر می کنم باید از نتیجه گیری نهایی در این مقطع پرهیز کنیم چون هنوز به پایان کار نرسیده ایم اما اجازه بدهید بگویم که در این لحظه، در برهه دشواری قرار داریم". وی قرار است آخرین گزارش خود از برنامه هسته ای ایران را شانزده خرداد به شورای حکام آژانس ارائه کند. وی اظهار امیدواری کرد از الان تا زمان ارائه گزارشش، ایران شروع به دادن پاسخهای معتبر به پرسشهای موجود کند.

جمهوری اسلامی در واکنش به بن بست گفتگوهای هسته ای، مثل همیشه طرف مقابل را مقصر دانسته و تاکید کرده که کشورهای اروپایی، فریب فشارهای آمریکا را نخورده و اجازه ندهند سیاست آمریکا بر مذاکرات مسلط شود. در هفته های گذشته خامنه ای هم چند مورد اعلام موضع کرد و گفت شروط طرف مقابل را قبول ندارد و اجازه این کار را نخواهد داد و تهدید کرد که اگر آمریکا بر سر این شروط پافشاری بکند، احتمال خروج از مذاکرات می رود در عین حال تاکید کرد که مذاکرات "پیشرفتهایی" هم داشته است. وی همچنین دوباره تاکید کرده که کماکان آماده مذاکرات برای رسیدن به یک توافق "مورد قبول" است.

در تحولی دیگر بعد از آخرین دور مذاکرات بی نتیجه برجام، «انریکه مورا» هماهنگ کننده گفتگوهای برجامی دو باره به ایران سفر کرد تا آنچه که وی "تدارک مقدماتی توافق آتی" می نامید را فراهم آورد، که عملاً آن هم به جایی نرسید. همزمان با دور دوم سفر «مورا» به ایران، «جوزف بورل» رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای برون رفت از بحران هسته ای و رسیدن به توافق پایدار با

مذاکرات هسته ای کشورهای اروپایی و آمریکا با جمهوری اسلامی از اسفند ماه سال گذشته متوقف شده است. دور قبلی مذاکرات اساساً بر روی ماندن سپاه در لیست گروههای تروریستی متمرکز بود. همزمان آمریکا و کشورهای اروپایی به رژیم فشار آوردند که این موضوع در کنار فعالیتهای تروریستی و موشک های بالیستیک، از شروط اصلی رسیدن به هرگونه توافقی با ایران است. متقابلاً خامنه ای آمریکا و غرب را متهم به کارشکنی در این گفتگوها کرده بود. آخرین وضعیت مذاکرات برجام چیست؟ هدف رژیم چیست؟ و احتمال رسیدن به توافق چقدر می باشد؟

در تازه ترین اظهار نظرهای مقامات آمریکایی در باره گفتگوهای احیای برجام، رابرت مالی نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران صبح چهارشنبه چهارم خرداد گفته "که احتمال توافق آتی با جمهوری اسلامی در بهترین حالت «ضعیف» است و واشینگتن آماده تشدید تحریمها علیه تهران است. وی تاکید کرد: "اگر ایران بر خواستههای فرابرجامی خود پافشاری کند، ما همچنان آنها را رد خواهیم کرد و به این ترتیب، توافقی در کار نخواهد بود. وی با بیان این که اسرائیل هم می گوید اگر به برجام برگردیم به نفع منافع اسرائیل است، گفت اگر قرار است به توافقی برسیم باید ایران دسترسی کامل را در اختیار آژانس قرار بدهد. آژانس باید باخبر باشد که پس از خروج دولت پیشین آمریکا از برجام تا کنون چه اتفاقی افتاده است.

در خبر دیگری خبرگزاریها به نقل از رافائل گروسی رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی که در اجلاس «داووس» صحبت می کرد، گزارش دادند مذاکرات هسته ای با

## طومار اعتراضی معلمان در ایران خطاب به سازمان جهانی کار

ادامه از صفحه ۴  
جمهوری اسلامی تبدیل کرده و صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشیم. امسال نیز به ژنو خواهیم رفت و در آکسیون اعتراضی ای که در در نهم ژوئن در برابر اجلاس سازمان جهانی کار برگزار خواهد شد شرکت خواهیم کرد.

خواست آزادی فوری کارگران و معلمان زندانی و به رسمیت شناختن حقوق پایه ای کارگران برای حق شکل و تجمع و اعتراض و اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از هیات مدیره سازمان جهانی کار اقدامی جهانی علیه سرکوبگری های حکومت اسلامی و گامی مهم در جهت اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تمام قدرت از اعتراض و خواسته های مندرج در طومار اعتراضی معلمان خطاب به سرکت کنندگان در اجلاس سازمان جهانی کار حمایت کرده و از همه تشکلهای و بخش های مختلف کارگری و اجتماعی خواستار گذاشتن امضای خود در پای این طومار میباشد. فری دم ناو تلاش میکند صدای این اعتراض در سطح جهان باشد.

شهلا دانشفر  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
25 مه 2022

ضمیمه: لازم نیست این متن چسبیده به نوشته بالا منتشر شود. کاظم نامه سرگشاده معلمان و کارگران ایران به شرکت کنندگان در یکصد و دهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (ILO)، ژنو، ۲۷ ماه مه الی ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲

ما امضا کنندگان این نامه هیات های نمایندگی شرکت کننده در یکصد و دهمین اجلاس سازمان

داریم که اقدام دولت ایران در نقض فزاینده حقوق کارگران و معلمان و به خصوص نقض حق شکل یابی مستقل و نیز نقض حق تظاهرات مسالمت آمیز را محکوم کنند. این نقض حقوق بدیهی یک امر بسیار اضطراری است زیرا از یازدهم اردیبهشت ماه و روز جهانی کارگر به این سو، تعدادی از فعالین صنفی و مردم متعرض، بازداشت شده، تحت بازجویی قرار گرفته و به موارد جدی اما کاملاً بی پایه ای همچون اقدام علیه امنیتی ملی متهم شده اند فقط به این دلیل واضح که دولت ایران میخواهد جنبش مستقل کارگری و صنفی در ایران و اعتراضات برحق مردم زحمتکش و تحت ستم را خاموش کند. موارد نقض حقوق بدیهی و پایه ای کارگری و صنفی درحالی توسط دولت ایران اجرا می شود که این دولت عضوی از هیات مدیره سازمان جهانی کار است.

تعداد زیادی از اعضای کانون های صنفی معلمان، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، و همچنین اعضای سایر تشکلهای مستقل کارگری و صنفی و نیز مردم متعرض در ماه ها و روزهای اخیر به علت فعال بودن در فعالیت های مشروع و قانونی کارگری و صنفی تحت بازداشت و یا حبس و بازپرسی قرار گرفته اند. ما از هیات های نمایندگی شرکت کننده در اجلاس میخواهیم که سرکوب تشکلهای مستقل صنفی و کارگری و اعضای آنها توسط دولت ایران را محکوم کنند.

از نمایندگان حاضر در کنفرانس بین المللی کار میخواهیم که اعتراض خود را نسبت به این اقدامات سرکوبگرانه به هیات های نمایندگی دولت ایران که در اجلاس حضور دارند اعلام کنند و از دولت ایران بخواهند که اقدامات لازم برای آزادی فوری و بی قید و شرط تمام معلمان دستگیر شده، فعالین

کارگری بازداشتی و معترضان بازداشت شده، را در دستور کار قرار بدهند و سرکوب کارگران و تشکلهای مستقل کارگری و صنفی را پایان دهند و به حق پایه ای آزادی تشکل صنفی و کارگری طبق مقاله نامه های جهانی ۹۸ و ۸۷ و "بیانیه اصول و حقوق بنیادین در کار" احترام بگذارند و این حقوق را رعایت و اجرایی نمایند. لازم به تاکید است که متأسفانه اتحادیه های کارگری مستقل ایران در کنفرانس بین المللی کار نماینده ای ندارند و نمایندگان «اتحادیه های کارگری» شرکت کننده از ایران، دولت ساخته هستند.

دولت ایران باید فوری و بدون قید شرط تمام معلمان زندانی و فعالین تشکلهای مستقل کارگری که از روز جهانی کارگر بدین سو بازداشت شده اند را آزاد کند: رسول بدایق، اسکندر لطفی، رضا شهبانی، جعفر ابراهیمی، حسن سعیدی، انبیا اسدالهی، ریحانه انصاری نژاد، محمد حبیبی، کیوان مهتدی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، رضا امانی فر، هادی صادق زاده، محمد عالی شوندی،

اصغر امیرزادگان، مهرداد یغمایی، افشین رزمجو، غلامرضا غلامی کندی، حمید عباسی، عبدالرزاق امیری، محمدعلی زحمتکش، محسن بهرامی، مرتضی محمدی و بسیاری دیگر چون هاشم خواستار که سالهاست در زندان است و علی رغم بیماری و کهولت سن، حتی به او مرخصی درمانی نمی دهند

علاوه بر این، ما اکیدا خواستار پایان حبس و آزار و اذیت سایر فعالین صنفی و کارگری، که در حال گذراندن دوران محکومیت خود هستند، می باشیم، از جمله معلم زندانی اسماعیل عبدی، که بعد از اتمام یک دوره زندان ۶ ساله اکنون در حال گذران یک زندان ده ساله دیگر که در سال ۸۹ متهم

شده است، و هاشم خواستار، که سالها در زندان به سر می برد و با وجود بیماری و کهولت سن حتی مرخصی استعلاجی به او نمی دهند. همچنین احکام و اتهامات علیه زنان معلمی که پیش از این به دلیل اعتراض به سیاست های آموزشی دولت کماکان در زندان به سر می برند باید لغو و آنها فوراً آزاد گردند، از جمله: زینب همزنگ، عالییه اقدام دوست، هاله صفرزاده، ناهید فتحعلیان، نصرت. بهشتی، معصومه عسکری و میژگان باقری.

ما امضا کنندگان این نامه هم چنین و به طور مشخص از هیات های کارگری شرکت کننده در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار درخواست داریم موارد فوری زیر را به صورت ویژه در دستور کار اجلاس قرار داده و مصرانه تقاضا داریم که در راستای تصویب و اجرایی کردن آنها تمام تلاش خود را به کار بندند:

(الف) رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمام دستگیر شدگان.

(ب) ملزم کردن دولت ایران به احترام به حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران در زمینه آزادی ایجاد و یا پیوستن به تشکل مستقل صنفی و کارگری، احترام و رعایت حق آزادی بیان و حق تجمع مسالمت آمیز بدون بیم و هراس از دخالت نیروهای امنیتی.

(ج) بررسی و اقدام در مورد اعزام هیاتی بین المللی تحت هماهنگی گروه کارگری سازمان جهانی کار و فدراسیون های بین المللی اتحادیه ای، جهت بررسی شرایط نیروی کار در ایران، نشست با تشکلهای مستقل صنفی و دیدار از فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده های آنها

## طومار اعتراضی معلمان در ایران خطاب به سازمان جهانی کار

ادامه از صفحه ۷

معلمان و فعالین کارگری و در دفاع از مبارزات معلمان و خواسته‌هایشان طومار زیر را امضا کنیم:

در این طومار بر خواستای فوری زیر تاکید شده است:

(الف) رفع فوری و بی‌قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمام دستگیر شدگان.

(ب) ملزم کردن دولت ایران به احترام به حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران در زمینه آزادی ایجاد و یا پیوستن به تشکل مستقل صنفی و کارگری، چهار عزیزشان در طبقه زیرزمین مترویل محبوس هستند نفسی کشیدند به این امید که آتش‌نشانان خیره تهران آنها را نجات خواهند داد. اما طبق گزارشی که از آبادان به حزب رسیده است، وزیر کشور خود فرمانده! عملیات شد و به توصیه های آتش‌نشانان توجهی نکرد و آنها را به کار گرفت و کسی هم نجات پیدا نکرد. گویی این مفتخور حکومت تجربه‌ای در فرماندهی نجات دیگران داشته است! گویی این مقام حکومتی که همراه خود صدها اوباش بیرحم را برای سرکوب مردم به

(د) تقاضای اخراج نمایندگان دولت‌ساخته‌ی ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آنها در این هیئت مدیره به دلیل نقض مداوم مقاله نامه‌های بین‌المللی و عدم پاسخگویی نسبت به سرکوب متداوم تشکلهای و فعالین اتحادیه‌ای و صنفی ایران طومار اعتراضی فعالان صنفی معلمان و کارگران ایران، خطاب به سازمان جهانی کار (ILO) در محکومیت سیاست کثیف پرونده سازی جمهوری اسلامی علیه

احترام و رعایت حق آزادی بیان و حق تجمع مسالمت‌آمیز بدون بیم و هراس از دخالت نیروهای امنیتی.

(ج) بررسی و اقدام در مورد اعزام هیاتی بین‌المللی تحت هماهنگی گروه کارگری سازمان جهانی کار و فدراسیون‌های بین‌المللی اتحادیه‌ای، جهت بررسی شرایط نیروی کار در ایران، نشست با تشکل‌های مستقل صنفی و دیدار از فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده‌های آنها.

(د) تقاضای اخراج نمایندگان دولت‌ساخته‌ی ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آنها در این هیئت مدیره به دلیل نقض مداوم مقاله نامه‌های بین‌المللی و عدم پاسخگویی نسبت به سرکوب متداوم تشکلهای و

فعالین اتحادیه‌ای و صنفی در ایران

امضا کنندگان این طومار بر خواسته‌های فوری همه بخش‌های کارگری و کل جامعه و علیه سرکوبگری‌های حکومت تاکید کرده و صدای اعتراض همه مردم است. این طومار را باید وسیعاً امضاء کنیم.

معلمان ایران طبق اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی، تجمعاتی را در چارچوب موازین صنفی طی دوده شکل داده اند. یکی از خواسته‌های مهم معلمان در این تجمعات، احیای اصل ۳۰ قانون اساسی و دستمزد شایسته ... بوده است.

متأسفانه در سال‌های اخیر و به‌ویژه در تجمعات ۱۱ و ۲۲ اردیبهشت امسال، تعدادی زیادی از معلمان و کارگران دستگیر

شده‌اند. با توجه به این‌که دولت جمهوری اسلامی ایران، عضو هیئت اجرایی سازمان جهانی کار (ILO) است، به‌طبیع، موظف به رعایت مقاله‌نامه‌های بین‌المللی منجمله در مورد حق تشکل و تجمع است.

در متن پیش رو از این نهاد خواسته شده، از معلمان و کارگران و همکاران بازداشت شده حمایت نماید. شهلا دانشفر

لینک طومار برای امضاء:

[https://www.petitions.net/free\\_imprisoned\\_trade\\_unionists\\_in\\_iran](https://www.petitions.net/free_imprisoned_trade_unionists_in_iran)

--

ریزش نمیکند. همان لحظه ساختمان ریزش کرد.

واقعا ننگ بر این حکومت و تک تک مقاماتش، فقیه اش، رئیس جمهورش، وزیر کشورش، فرماندهانش، مافیایش، نظامش، اسلامش و ننگ بر آیت‌الله‌هایش که از فردا بر منبرها از آزمایش الهی علیه زیر آوارمانده ها حرف میزنند.

از میدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری ایران

وضعیت آگاهی داشتند نیز چشمشان را به آنچه میتواند اتفاق بیفتد بستند. دستور تعطیل کار و تخلیه ساختمان را ندادند.

کارگرانی که در طبقه زیر زمین بودند لرزش ساختمان را احساس میکردند و مدام به این میلیاردی بی‌وجدان تلفن میزدند که ساختمان هر لحظه ممکن است ریزش کند. کارگری که لحظاتی قبل از فاجعه از زیر زمین بیرون آمده بود تا از فروشگاه نزدیک خرید کند این بود که دچار توهم هستید این ساختمان

آبادان آورده است، قلبش برای یک انسان دیگر میتپد!

رفتار بیشرمانه و جنایتکارانه حکومت فقط به دادن مجوز به عبدالباقی و تقدیر مقامات از او محدود نبود. تیرهای آهنی طبقه زیرزمین خم شده بود و خطر ریزش ساختمان شدیدتر شده بود. عبدالباقی دهها کارگر را بکار گرفت تا جلو خم شدن بیشتر ستون‌ها را بگیرند و آنها را مستحکم کنند. عده‌ای نیز در طبقه چهارم این ساختمان مشغول کار بودند. مقامات و ارگان‌هایی که از این

چهار عزیزشان در طبقه زیرزمین مترویل محبوس هستند نفسی کشیدند به این امید که آتش‌نشانان خیره تهران آنها را نجات خواهند داد. اما طبق گزارشی که از آبادان به حزب رسیده است، وزیر کشور خود فرمانده! عملیات شد و به توصیه های آتش‌نشانان توجهی نکرد و آنها را به کار گرفت و کسی هم نجات پیدا نکرد. گویی این مفتخور حکومت تجربه‌ای در فرماندهی نجات دیگران داشته است! گویی این مقام حکومتی که همراه خود صدها اوباش بیرحم را برای سرکوب مردم به

کارگران آتش نشانی تهران به آبادان رسیدند اما ...

۳۰ نفر از کارگران آتش‌نشانی تهران با تجهیزات مسیر هزار کیلومتری تهران تا آبادان را پیمودند تا برای نجات همنوعان خود که زیر آوار مانده‌اند دست بکار شوند. حکومت حاضر به انتقال هوایی آنها نشد و آنها چهارشنبه صبح پس از پیمودن این مسیر طوانی به آبادان رسیدند. خسته اما آماده نجات همنوعان.

مردم آبادان بویژه خانواده هایی که بعضاً

## آخرین وضعیت مذاکرات هسته‌ای

### محمد شکوهی

صف مردم ضعیف تر کرده و قدرت تعرض مردم را بیشتر خواهد کرد.

کرده و اساساً در برابر مردمی که تعرض به حکومت را برای سرنگونی اش آغاز کرده اند، دست به "قدرت نمایی" بزند. عقب نشینی حکومت در مذاکرات، رژیم را در مقابل

نیست. جمهوری اسلامی ناچار است برای برون از این وضعیت و خریدن فرصت دیگری، عقب نشینی‌هایی در مذاکرات آتی اتنی بکند تا بتواند خودش را جمع و جور

ادامه از صفحه ۶

حکومت یک فاکتور مهمی در تضمین ادامه حیات رژیم میباشد. روند اوضاع داخلی و خارجی اساساً به نفع حکومت







جراحی اقتصادی و پیامدهای آن برای کارگران

## جراحی اقتصادی و پیامدهای آن برای مردم

کاظم نیکخواه

گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه تلویزیونی خطرناک

از آن وضعیت اولیه گذشته و نمیخواهم وارد این شوم که در دوره رفسنجانی چه اتفاقی افتاد و در دوره احمدی نژاد و روحانی چه شد پردازم. تلاش جمهوری اسلامی اینست که به نحوی این اقتصاد را سرپا نگه دارد. یک موقعی شروع کردند به یارانه دادن، شروع کردند به ارز چند نرخ را ایجاد کردن و ارزش ترجیحی به یک واردات یک سری کالاها اختصاص دادن و امثال اینها. اما خود این ارز ترجیحی و این یارانه ها و غیره هم به نان دانی و

ادامه از صفحه ۱  
اسلامی سیاستهایش باعث تشدید و تعمیق و مزمن شدن بحران گردید. این حکومت یک اقتصاد بحران زده را تحویل گرفت و بعد از نظر سیاسی با کشورهای دنیا وارد جنگ و جدال و کشاکش شد. تروریسم اسلامی، صدور اسلام و ضد آمریکائی گری، سیاست نابودی اسرائیل و اینها به هویت اصلی حکومت تبدیل شد... و در نتیجه تحریمهای اقتصادی و انزوای بین المللی هم فشار جدی بر اقتصاد را اضافه کرد. در نتیجه یک سرمایه داری پا گرفت که در آن نه واردات کار میکند، نه صادرات کار میکند. و نه فقط سرمایه گذاری در آن فعال نیست بلکه سرمایه ها فرار کردند. تولید بسیار زیر ظرفیت است. نوآوری و گسترش تولید نزدیک به صفر است. و سرمایه داران بخشهایی از آقا زاده های حکومتی یا وابستگان به سپاه پاسداران و دستگاههای حکومتی هستند که کاری جز چپاول مشغله شان نیست. یعنی یک سرمایه داری انگلی و عمیقاً بیمار پا گرفت. این سیستم بدون قاچاق و دزدی و رانت خواری و وجود مافیای اقتصادی نمیتوانست کار بکند. خود دولتی ها تبدیل شدند به قاچاقچی ارز و کالا و مواد مخدر و همه چیز. در نتیجه قلب و فساد و رانت خواری و باند بازی و بی قانونی و بی حساب و کتابی اجزاء جدایی ناپذیر این اقتصاد است. به این شیوه ها سالهاست دارد به اصطلاح کار میکند و مدام عوارض آن برای مردم مهلک تر میشود. کنترل قیمت و ارز و همه چیز از دست همه کس از جمله خود دولت هم خارج شده است. اولیگارش های مالی شکل گرفته اند که به هیچکس جوابگو نیستند.

"خصوصی سازی". که نه خصوصی است و نه دولتی. ظاهراً خصوصی سازی میکنند اما عملاً دولتی ها میروند اموال دولتی را تصاحب میکنند و به ملک شخصی خود

اقتصادی نامیده میشود همسان میگیرند که در عرصه بین المللی هم شناخته شده است. سیاستهایی که از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تشویق و

اساس بحران اقتصادی جمهوری اسلامی سیاسی است. یعنی بخاطر مصالح سیاسی اش، بخاطر تروریسمش، بخاطر ایدئولوژی اسلامیش، بخاطر ضد اسرائیلی و ضد آمریکائی و ضد غربی بودنش، نمیتواند با خیلی از مسائل اقتصادی کنار بیاید. و اینها یک سری موانع و بحرانهای اقتصادی ایجاد میکند که فشارش روی گرده مردم می افتد و مدام کمر شکن تر میشود. نتیجه این سیاستها این میشود که تولید فلج میشود و زیر بیست سی درصد ظرفیت کار میکند، ثروتهای عظیم در دست یک عده کوچکتر و کوچکتر جمع میشود و اکثریت مردم فقیرتر میشوند. در آن مملکت سرمایه دارانی وجود دارند که در دنیا سرمایه داران بزرگ میشوند. به دلار میلیاردی هستند. در عین حال بخش زیادی از مردم از تهیه نان ساده، از تهیه معیشت ساده محرومند.

تبدیل میکنند و از رانت دولتی هم همچنان بهره مند میشوند و کسی هم جرات مقابله با آنها را ندارد. حتی آنجا که اقتصاد خصوصی است چون در دست اولیگارش های حکومتی است، سرمایه داران خصوصی جرات رقابت با آنها را ندارند. حتی دولت اگر هم بخواهد نمیتواند مانع اقدامات یک مشت حکومتی ها و آقا زاده ها بشود. منظورم اینست که یک مقداری تلاش میکنند که خودشان را با سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تطبیق بدهند، اما مشکلات و موانع جدی دارند.

بحث بر سر اینست که اساس بحران اقتصادی جمهوری اسلامی سیاسی است. یعنی بخاطر مصالح سیاسی اش، بخاطر تروریسمش، بخاطر ایدئولوژی اسلامیش، بخاطر ضد اسرائیلی و ضد آمریکائی و ضد غربی بودنش، نمیتواند با خیلی از مسائل اقتصادی کنار بیاید. و اینها یک سری

محل دزدی و فساد و بالا کشیدن ثروتها از جانب آقا زاده ها تبدیل شد. و امراض اقتصادی شان را عمیقتر کرد. فلج اقتصادی را جدی تر کرد. تولید را بیشتر داغان کرد. و گرانی و تورم را بیشتر دامن زد. در نتیجه از مدتی پیش به طرف سیاست حذف یارانه ها و حذف ارز ترجیحی و امثال اینها چرخیدند. و اسمش را "جراحی اقتصادی" گذاشته اند. از دوره های قبل از دوره احمدی نژاد و روحانی این بحثها مطرح شد. که خود این حذف ارز ترجیحی و یارانه ها هم به فساد و مانع آقا زاده ها و حکومتی ها بر میخورد. و مشکلات را عمیق تر و جدی تر میکند. این توضیح خلاصه ای از وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی و گردانی است که در آن گرفتار شده است.

کاظم نیکخواه: تلاش میکنند که در آن راستا که شما میگویید کارهایی بکنند. در واقع این تلاشها از دوره رفسنجانی شروع شد. که یک جوری با دنیا با سرمایه داری دنیا وارد رابطه بشوند و بعد توصیه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای خصوصی سازی را انجام بدهند. اما مساله اینست که در جمهوری اسلامی اینها کار نمیکند. در نتیجه رفسنجانی یک جایی متوقف شد. احمدی نژاد سیاست جراحی اقتصادی را ادامه داد و یارانه ها را زد و کارهایی از این قبیل کرد اما در وسط کار متوقف شد. در نتیجه یک شتر گاو پلنگی درست کردند که خودشان به آن میگویند

حسن صالحی: یک عده ای اقداماتی که جمهوری اسلامی انجام میدهد را با آنچه لیبرالیسم اقتصادی یا آزادی

موانع و بحرانهای اقتصادی ایجاد میکند که فشارش روی گرده مردم می افتد و مدام کمر شکن تر میشود. نتیجه این سیاستها این میشود که تولید فلج میشود و زیر بیست سی درصد ظرفیت کار میکند، ثروتهای عظیم در دست یک عده کوچکتر و کوچکتر جمع میشود و اکثریت مردم فقیرتر و فقیرتر میشوند. در آن مملکت سرمایه دارانی وجود دارند که در دنیا سرمایه داران بزرگ محسوب میشوند. به دلار میلیاردی هستند. در عین حال بخش زیادی از مردم از تهیه نان ساده، از تهیه معیشت ساده محرومند. این نتیجه این اقتصاد بیمار، نتیجه اقتصاد بحران زده و درب و داغانی است که عملاً به فلج کامل نزدیک شده است. بنابراین این تلاشها عملاً کار نمیکند...

حسن صالحی: سوال بعدی من هم همین است. اینها وقتی از جراحی بزرگ اقتصادی صحبت میکنند و اینکه تغییرات زیادی باید صورت بگیرد، آیا امکان گشایش اقتصادی با همان معیارهای سرمایه داری در ایران وجود دارد؟ در برخی کشورها شاهد این بوده ایم که سیاستهای اقتصادی ای در پیش گرفته اند که گیرم با بدتر شدن وضع مردم گشایشهای اقتصادی ای بوجود آمده است. به رشد اقتصادی دست یافته اند و غیره. آیا در ایران چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

کاظم نیکخواه: بنظرم مطلقاً نه. نکته ام همین بود که چون بحران اقتصادی جمهوری اسلامی

## جراحی اقتصادی و پیامدهای آن برای مردم

### کاظم نیکخواه

ادامه از صفحه ۹

بیش از هر چیز ریشه سیاسی دارد، راه حلش هم اساسا سیاسی است. یعنی با استراتژیهای اقتصادی نمیشود کاری کرد و اساسا به بن بست میخورد. اینجور نیست که رفسنجانی، یا روحانی یا احمدی نژاد نمیخواستند کاری بکنند. نتوانستند کاری بکنند. یعنی یک کلاف سردرگمی است که راه حل ندارد. میخواهند سرمایه خصوصی را آزاد کنند، نمیتوانند راه سرمایه داران آمریکائی و اروپائی و غیره را باز کنند که بیایند سرمایه گذاری کنند. اصلا آنها به هزار دلیل از جمله اینکه امنیت ندارند وارد رابطه سرمایه گذاری در ایران نمیشوند. چون بفرض یک مشت آفازاده و گرگدن اسلامی هستند که با ورود این سرمایه ها منافعشان به خطر می افتد و در نتیجه کسی که میخواهد سرمایه گذاری کند احساس امنیت نمیکند. امنیت برای سرمایه گذاریهای خارجی وجود ندارد. میخواهند صادرات کنند، واردات کنند میخورند به سد سیاست ضد آمریکائی گری و ضد اسرائیلی گری و غیره. میروند توی سیاست اتمی یک سری مسائل اقتصادی دیگری برایشان بوجود می آید. نتیجه ای که میخواهم بگیرم اینست که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی (که همانطور که گفتم چند جانبه است یعنی رکود و تورم و دزدسالاری و قاچاق و رانت خواری همه اینها تنیده شده با هم هستند) راه حلش در وهله اول سیاسی است. یعنی حکومت سیاستهایش باید عوض شود. چه جوری عوض میشود؟ یعنی سیاست تحجر اسلامی و ضد آمریکائی گری، ضد

غربی گری، ضد اسرائیلی گری و سرکوب و نا امنی سیاسی کنار برود. کنار رفتن اینها یعنی کنار رفتن جمهوری اسلامی. نتیجه اینکه این بحران راه حلی در جمهوری اسلامی ندارد.

### حسن صالحی:

اینحال کاظم نیکخواه فکر میکنم این سیاستهایی که جمهوری اسلامی اتخاذ میکند مورد تحسین بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قرار میگیرد و خیلی هم مفسرین سرمایه داری هم تحسین و به به و چه چه برای آن میکنند. اینطور نیست؟

**کاظم نیکخواه:** تحسین را شک دارم اما تاییداتی میکنند چون بلاخره هرچه به طرف خصوصی سازی پیش رفته که همان حالت "خصولتی" پیدا کرده تشویق کرده اند و مثلا صندوق بین المللی پول اعلام کرد که دارد گامهایی برداشته میشود. ولی میگویند این کافی نیست. بطور واقعی هم برای حل بحران اصلا کافی و موثر نیست. بحث بر سر اینست که الان با این اتفاقات و تحولاتی که صورت گرفته الان اقتصاد جمهوری اسلامی نه خصوصی است و نه دولتی. خیلی جاها در یک نقطه معین هردو را می بینید. یعنی بخش خصوصی خودش بخشی از دولت است. از رانتهای دولتی، از امتیازات دولتی و از امکانات دولتی استفاده میکند، اما سودهایش به صندوق دولت نمیروند بلکه به جیب افراد سرازیر میشود. یعنی وضعیت دولت از نظر مالی و اقتصادی بدتر از قبل شده است. نتیجه این شده که جمهوری اسلامی به یک دولت ورشکسته کامل تبدیل شود که صندوقش خالی است و دستش هم

به جایی بند نیست. یعنی همان درآمدهایی را هم که از قبل سرمایه های دولتی داشت از دست داده است. و در نتیجه صندوقش خالیتر و خالی

مردم جمع میکنند. اقتصاد که طبق گفته شما قرار نیست بهبودی پیدا کند. اشتغال قرار نیست بیشتر شود. بنابراین آنچه که باقی میماند بیکاری بیشتر، گرانی

نتیجه این شده که جمهوری اسلامی به یک دولت ورشکسته کامل تبدیل شود که صندوقش خالی است و دستش هم به جایی بند نیست. یعنی همان درآمدهایی را هم که از قبل سرمایه های دولتی داشت از دست داده است. و در نتیجه صندوقش خالیتر و خالی تر شده است. اینها واقعیات اقتصاد جمهوری اسلامی است که مثل یک بیمار است که چندین سرطان به جانش افتاده و هر دارویی که برای علاج یکی استفاده میکند بیماری دیگری را تشدید میکند.

بیشتر و دستمزدهایی است که چندبرابر زیر خط فقر است. چگونه مردم با این وضعیت باید سر بکنند؟

### کاظم نیکخواه:

اشاره کردم که این بحران بیش از هر چیز ریشه سیاسی دارد و مثل بحرانهای اقتصادی معمول در دنیا نیست. و راه حل هم سیاسی است. ما این را بارها اینجا گفته ایم که تا این حکومت هست اوضاع هر روز بدتر خواهد شد. و این شعار نیست. این فقط تبلیغ نیست. اتفاقی است که جلوی چشمان دارد می افتد. سال گذشته من و شما با هم صحبت میکردیم میگفتیم گرانی بیشتر شده، دو سال قبلش بزرین قیمتش چند برابر شد. مدام مردم با این شوک های توری مواجه میشوند. پول ایران در دنیا دارد به بی ارزش ترین پول تبدیل میشود. این یعنی قدرت خرید مردم کمتر میشود. و وقتی قدرت خرید کمتر میشود بخشی از آن دود نمیشود و به هوا برود. بلکه نتیجه اینکه امروز شما با مقدار معینی پول میتوانستید ده کیلو برنج بخرید و فردا فقط میتوانید شش کیلو بخرید اینست که چهار کیلویی عملا به جیب یک مشت سرمایه دار ریخته میشود.

تر شده است. اینها واقعیات اقتصاد جمهوری اسلامی است که مثل یک بیمار است که چندین سرطان به جانش افتاده و هر دارویی که برای علاج یکی استفاده میکند بیماری دیگری را تشدید میکند. بنابراین آن تشویقها و اینها صورت میگیرند اما کمکی به اقتصاد جمهوری اسلامی نکرده است. نتیجه این وضعیت یعنی بیکاری بیشتر، گرانی کمرشکن، کمبود دارو، و فشار کمر شکن اقتصادی و مالی روی اکثریت مردم. این وضعیت مدام برای مردم بدتر و بدتر میشود.

### حسن صالحی:

پیامدهای این وضعیت موضوعی است که من میخواستم در مورد آن سوال کنم. دیدیم که با آزاد سازی قیمتها چه اتفاقی افتاده است. پیش از این وقتی سوبسید بزرین را برداشتند دیدیم که اوضاع طوری شد که خیزشهای اجتماعی راه افتاد. الان هم که نان گران شده و آرد گران شده و مرغ و تخم مرغ و امثالهم گران شده، از نیمه اردیبهشت دیدیم که ایران صبحنه شورشهای بیشتر و اعتراضات مردم به گرانی و کل دستگاه حکومتی شد. نان خالی را هم اینها دارند از سفره

آن سرمایه داران کی هستند؟ بخشی از سرمایه داران که بیش از همه سرشان به حکومت بند است.

این وضعیت نتیجه اش این شده که یک حکومت ورشکسته، از نظر سیاسی دچار بن بست، که نمیتواند تکان بخورد و سیاستهایش را تغییر بدهد، نمیتواند از سیاستهایی که باعث قطع مراداتش با دنیا شده دست بکشد، که باعث شده واردات و صادرات و سرمایه گذاریهایش را دچار بن بست کرده است. در نتیجه تنها راهی که میماند اینست که این حکومت کنار برود. خب گام قبلتر اینست که مردم بر گرده حکومت فشار بگذارند، تحمیل کنند یک سری چیزها را. همانطور که الان شاهدیم که الان کارگران هر روز دارند اعتصاب و تجمع و اعتراض میکنند که دستمزد پرداخت نشده شان را بگیرند. یا دستمزدشان بر اساس همان مصوبات خود حکومت افزایش پیدا کند. و چیزهایی از این قبیل. و خیلی وقتها هم توانسته اند خواستهایشان را تحمیل کنند و حکومت و سرمایه داران را عقب برانند.

### حسن صالحی:

یک نکته که الان در صحبتهایتان اشاره کردید که جمهوری اسلامی کنار برود. جمهوری اسلامی که خودش کنار نمیروند. الان که میگوید تصمیمات سخت تری هم میگیریم و با اینکه واقفند که اینها به اعتراضات خیابانی منجر میشود، مصممند این تصمیمات را بگیرند.

### کاظم نیکخواه:

جمهوری اسلامی هیچ راه حل دیگری ندارد. میداند که اقتصادش دیگر کار



## جراحی اقتصادی و پیامدهای آن برای مردم

کاظم نیکخواه

بازنشستگان و امثال اینها. با به هم پیوستن اینهاست که یک جنبش عظیم و سراسری برای دفاع از زندگی و معیشت و رفاه تک تک شهروندان می تواند به جریان بیفتد و جمهوری اسلامی را قدم به قدم عقب براند. و من بسیار امیدوار هستم که در این جهت مردم موفق خواهند شد که بتوانیم خواستههایی را به جمهوری اسلامی تحمیل کنیم. تحمیل کردن خواستهها به جمهوری اسلامی چون این حکومت اقتصادش داغان است، صندوقش خالی است و امثال اینها، باعث افزایش تناقضات و شکافهای درونیش خواهد شد. و نهایتاً میتوانیم به جایی برسیم که با مبارزات سیاسی همه جانبه تر و سراسری از شرم جمهوری اسلامی خلاص شویم.

**حسن صالحی:** بسیار ممنونم که در این گفتگو شرکت کردید.  
(۲۴ مه ۲۰۲۲)

کرده اند. کارگران و بازنشستگان و معلمان هر روز دارند میجنگند. در هیچ جامعه ای ما اینهمه جدال و مبارزه نمی بینیم. بویژه از جانب بازنشستگان. بازنشسته سالها بعنوان کارگر و معلم و کارمند کار کرده و زحمت کشیده و الان در سنین بالا که باید استراحت کند و آرامشی داشته باشد، مثل زمان شاه که ما دانشجویان بیست ساله ای بودیم که به خیابان می آمدیم و اعتراض میکردیم، باید هر روز به خیابان بیاید و داد بزند و اعتراض و تجمع کند. راهی جز این نیست و عملاً هم جامعه دارد به این سمت میرود. یک خواستههای روشنی از جانب بخشهای مختلف مردم دارد مطرح میشود. تحولی که الان لازم است اینست که این جنبشها و اعتراضاتی که جریان دارند عملاً به هم پیوندند و سراسری تر عمل کنند. ما الان اعتصابات سراسری را اینجا و آنجا می بینیم، مثل اعتصابات کارگران و معلمان،

راه دیگری وجود ندارد. بحث بر سر اینست که باید خواستههای روشن و مشخصی را مطرح کرد و حول آنها متحد شد و مبارزه کرد. مثلاً درمان رایگان و آموزش رایگان، بیمه بیکاری، پرداخت حقوق پایه ثابت به آنها که در آمدی ندارند یا در آمد پایینی دارند و افزایش حقوقها و دستمزدها و امثال اینها را باید جلو گذاشت و برای آنها متحدانه مبارزه و اعتصاب و تجمع کرد و به حکومت تحمیل کرد. این امکان وجود دارد و تا کنون هم خیلی وقتها کارگران و معلمان و بازنشستگان حقوقی را به حکومت تحمیل کرده اند. ما نباید به این دلیل که جمهوری اسلامی وضعیتش برعکس است کوتاه بیاییم. برعکس باید مبارزه مان را وسیعتر و متحدانه تر به پیش ببریم. باید خواستههای روشنی را رهبران، فعالین و گردانندگان جنبشها جلو بگذارند و مبارزه حول آنها را سازمان بدهند. تا حالا هم تا حد زیادی این کار را

فقر بیشتر، گرانی بیشتر، بیکاری بیشتر و پی تاملی بیشتر خواهد بود. هیچ انتخاب دیگری، یا اتفاق دیگری نتیجه نخواهد شد. بهبودی در زندگی مردم نه فقط نیست بلکه هر روز بدتر و بدتر میشود. چه باید کرد؟ تنها راه متحد شدن و مبارزه کردن است. برای عقب راندن جمهوری اسلامی و نهایتاً برای سرنگونی جمهوری اسلامی...

**حسن صالحی:** من سوال اینست که الان مطالبات و خواستههایی دارند. معلمان و کارگران خواستههایی دارند. بساط پیمانکاران را میخواهند جمع شود. حقوقها میخواهند افزایش یابد. یعنی از نظر شما هیچ امکانی نیست که با بودن جمهوری اسلامی این حکومت را به عقب برانند و مجبورش کنند سطح دستمزدها افزایش یابد،..؟  
**کاظم نیکخواه:** چرا.. نکته من هم همین بود که جمهوری اسلامی را باید عقب راند. و نهایتاً باید آنرا سرنگون کرد. هیچ

ادامه از صفحه ۱۲ نمیکنند. مدتهاست فلج است. دیگر دارد دچار فروپاشی میشود. ما این را مدام داریم میگوییم. نتیجه چیست؟ نتیجه اینست که ما در آن مملکت وضعیت فقر به جایی رسیده که گور خوابی و پشت بام خوابی و کلیه فروشی و اینها را شاهد هستیم. اینکه میگوید مصمم است بله تلاش میکند کارهایی بکند و وضعیت را برای مردم بدتر کند. اما در عین حال تا حد زیادی هم توسط مردم و اعتراضات و اعتصابات مردم عقب رانده شده است. یعنی خیلی وقتها سیاستهایش را مردم و کارگران عقب رانده اند و حقوقشان را تحمیل کرده اند و امثال اینها. بهرحال یک جنگ و جدال است. نکته من اینست که اگر جمهوری اسلامی سر کار باشد اوضاع بدتر میشود. تعارف نداریم. کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه مردم باید بدانیم که تا زمانی که جمهوری اسلامی سر کار است سیاستهایش اگر پیش برود، نتیجه اش

## جمهوری اسلامی و مدافعینش شکست خوردند! مسابقه فوتبال در ونکوور لغو شد!

نژادی آفریقای جنوبی از همه مجامع و مناسبتهای بین المللی اخراج و منزوی شود.  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۶ مه ۲۰۲۲

حرکت و همه آزادخواهان دعوت میکند تا تلاش برای منزوی کردن بیش از پیش جمهوری اسلامی در جهان را گسترش دهند. نظام آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی باید همچون نظام آپارتاید

سرنوشت ساز برای رهایی از شرم جمهوری اسلامی هستند، تریک میگوید. حزب ما بعنوان یکی از نیروهای فعال در حرکت گسترده برای لغو این پروژه فوتبال شومی جمهوری اسلامی، از همه فعالین این

کرد. یکبار دیگر معلوم شد که نمی توان یک رژیم آپارتاید جنسی را مشروعیت داد و مورد بازخواست و اعتراض مردم قرار نگرفت و چنین مفتضح نشد!

ساعتی پیش فدراسیون فوتبال کانادا اعلام کرد که مسابقه فوتبال تیم های ملی ایران و کانادا که قرار بود در پنجم ژوئن در ونکوور برگزار شود، لغو شده است. این یک پیروزی برای مردم ایران و کانادا و یک شکست مفتضح برای جمهوری اسلامی و لابی های این رژیم آدمکش در کانادا است. یکبار دیگر معلوم شد که نمی شود خون مردم ایران بر دستان جمهوری اسلامی را به بهانه فوتبال و "مسابقات دوستانه" و نظیر آن پاک

حزب کمونیست کارگری ایران این پیروزی را به همه دادخواهان و آزادخواهان بویژه به خانواده های قربانیان شلیک به هواپیمای اوکراینی، به همه زنان ایران که از ورود به استادیوم ها محروم هستند، به تمام مردم ایران که هم اکنون درگیر نبردی

**BOYCOTT V.I.P.I**  
**IRAN'S KILLER REGIME!**

جمهوری اسلامی و مدافعینش شکست خوردند!

فدراسیون فوتبال کانادا اعلام کرد:

مسابقه فوتبال تیم های ملی ایران و کانادا لغو شد

## ۵ خرداد ۱۴۰۱: تظاهرات خروشان مردم آبادان و گسترش دامنه اعتراضات به چند شهر دیگر

۵ خرداد ۱۴۰۱: تظاهرات خروشان مردم آبادان و گسترش دامنه اعتراضات به چند شهر دیگر

بدنبال تظاهرات شب گذشته، امروز پنجم خرداد ماه نیز بنا بر قرار قبلی تظاهرات شبانه در آبادان در اعتراض به فاجعه متروپل و جنایات مافیای حاکم برگزار شد و مردم با شعارهای "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم"، "مرگ بر دیکتاتور"، فریاد اعتراض خود را علیه حکومت مافیایی حاکم و جنایاتش بلند کردند.

در حالیکه خانواده های زیرآوارماندگان هنوز امید دارند که عزیزانشان زنده باشند و برای نجات آنها تلاش میکنند، مسئولان ستاد مدیریت بحران وزارت کشور با بی شرمی و بی رحمی تمام اظهار کرده اند که تا آخر وقت امروز به عملیات جستجوی زیر

آوار ماندگان پایان خواهند داد و باقی ساختمان را بطور کامل منهدم خواهند کرد. این موضوع بر آتش خشم مردم بیشتر دامن زده و امشب آبادان یکپارچه خشم و اعتراض است.

امشب همچنین مردم در شهرهای خرمشهر، بهبهان، بندرعباس و شاهین شهر نیز در حمایت از اعتراضات مردمی در آبادان به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. خیزش مردمی از خوزستان و شهرهای جنوب سر بلند کرده و دامنه اش دارد گسترده تر میشود. امشب در خرمشهر مردم بسیاری در فلکه الله در مرکز شهر در حمایت از خیزش مردمی در آبادان جمع هستند و شعار میدهند: "رئیس، رئیس، استعفاء، استعفاء"، "آبادان ما هستیم، تنهات نمیکذاریم"، "فرمانده، فرمانده، شهر زیر آوار

مانده"، "توب، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه"، "مرگ بر دیکتاتور"، "ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما"، "باقی جنایت میکند، مسئول حمایت میکند". در بندرعباس نیز امشب مردم در همبستگی با آبادان در محل ششصد دستگاه جمع شدند و شعارهای اعتراضی سر دادند. در شاهین شهر جمعیت زیادی در پارک سر فردوسی تجمع کرده و با شعار "میکشم میکشم آنکه برادرم کشت"، فریاد خشم و نفرت خود را بلند کردند. این اعتراضات بطور واقعی ادامه اعتراضات مردمی است که دو هفته اخیر در سی شهر به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. نکته مهم اینست که همراه با تظاهراتهای خیابانی کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان نیز طی بیانیه ای اعلام کرده اند که اعتصاب

خود را در همبستگی با خانواده های جانبختگان آبادان آغاز میکنند و این حرکت به گفتمان اعتراض در دیگر بخش های کارگری دامن زده است. جانبختن شمار بسیاری از مردم در جریان فروریزی ساختمان متروپل نتیجه فساد و تقلب و دزدی در تار و پود مافیای حاکم است که همه چیزش حتی ساختمانها بر بنیاد تاراج بنا شده است.

پاسخ ما به مافیای جنایتکار اسلامی حاکم، اعتراضات گسترده مردمی در خوزستان و در تمام شهر ها و اعتصابات سراسری کارگری و پیوستن به فراخوان کارگران پتروشیمی و پالایشگاه آبادان است. حزب کمونیست کارگری کارگران شاغل در سایت صنعتی منطقه آزاد اروند، کارگران سازمان بنادر، کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، شهرداری ها، کارگران فرودگاه آبادان،

کارگران نیروگاهی و دیگر بخش های کارگری در آبادان و در استان خوزستان و همچنین معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و جوانان معترض را به حمایت و پیوستن به اعتصاب کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان و به اعتراضات مردمی در این شهر فرا میخواند. تنها با قدرت متحد خود، با تظاهراتها و اعتصابات همبسته و سراسری میتوانیم جمهوری اسلامی را بزیر بکشیم و شرایط فاجعه باری که حکومت به جامعه تحمیل کرده است را پایان بدهیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۶ مه  
۲۰۲۲

## در حمایت از مردم آبادان دست به اعتراض بزنیم

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

مردم مبارز کردستان! همانطور که اطلاع دارید روز دوشنبه دوم خردادماه ساختمان متروپل که نماد فساد و دزدی کاریدستان حکومتی در شهر آبادان بود بر سر مردم فرو ریخت. تاکنون ۲۴ نفر جان خود را از دست داده و همچنان تعداد زیادی از شهروندان در طبقات زیر زمینی بدون هیچگونه امکانات و تسهیلاتی برای نجات گیر کرده اند. این در حالی است که کمترین کمکهای امدادی برای نجات شهروندان گیر افتاده زیر آوار از سوی حکومت یعنی مسبب

اصلی این فاجعه انسانی صورت نگرفته اما قداره بندان رژیم در وحشت از گسترش و ادامه اعتراضات مردم نیروهای سرکوبشان را روانه محل کرده اند.

مردم آبادان که این فاجعه را محصول بساط مافیایی این حکومت و مقامات دزد آن میدانند بلافاصله اعتراضات خود را شروع کردند و علیه حکومت و سران آن شعار دادند. مردم خرمشهر و برخی شهرهای دیگر هم شب گذشته در همبستگی با مردم آبادان اعتراضات خود را شروع کرده اند و فراخوان آمادگی کارگران

پتروشیمی و پالایشگاه آبادان برای اعتصاب در همدردی و همبستگی با خانواده های جانبختگان و برآورده شدن مطالبات مردم، زمینه های گسترش این همبستگی ها را فراهم کرده است.

### مردم آزاده و شرافتمند کردستان!

مردم کردستان این حکومت را خوب می شناسند و از بدو موجودیتش در برابر این آدمکشان ایستادند. مبارزه شما مردم کردستان پیشینه ای مملو از تجربه و دستاورد کارساز مبارزاتی

همچون اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان را در کارنامه خود دارد و میتواند نقش برجسته ای در همبستگی با مردم آبادان ایفا کند. به هر شکل که میتوانید در حمایت از مردم آبادان به میدان بیاییم و همبستگی مان را تقویت کنیم. فعالین سیاسی و فعالین جنبش های اعتراضی میتوانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند و در عین حال زمینه را برای اعتصاب عمومی علیه بیش از چهار سال جنایت، فقر، آدمکشی و علیه تباهی زندگی فراهم کنند. شرایط و

فضای سیاسی و اعتراضی مقطع کنونی این امکان را ایجاد کرده است که دست در دستان هم، متحد و همبسته در تک تک شهرهای کردستان دست به اعتراض بزنیم و پاسخ کوبنده ای به قاتلین مردم آبادان و قاتلین دهها هزار نفر از عزیزانمان بدهیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری  
۶ خرداد ۱۴۰۱، ۲۷ مه  
۲۰۲۲



## آبادان یکپارچه اعتراض کارگران پتروشیمی و پالایشگاه آبادان اعلام آمادگی برای آغاز اعتصاب کردند

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - واحد خوزستان

شماره 33

از روز دوشنبه دوم خردادماه که ساختمان متروپل نماد فساد و چپاولگری در شهر آبادان، بر سر مردم آوار شد همچنان تعداد زیادی از شهروندان زیر خروارها خاک مانده اند و از وضعیت سلامت آنها خبری در دست نیست. در چنین وضعیت نفسگیری که خانواده های زیرآوارماندگان هنوز امید دارند که عزیزانشان زنده باشند، مسئولان ستاد مدیریت بحران وزارت کشور با بی شرمی و بی رحمی تمام اظهار می کنند که تا آخر وقت امروز پایان عملیات جستجوی زیر آوار ماندگان اعلام و باقی ساختمان بطور کامل منهدم خواهد شد. استدلالشان نیز اینست که همه کسانی که زیر آوار مانده اند یا خارج شده اند و یا احتمالا جان خود را از دست داده اند.

بدین ترتیب دست اندرکاران این حکومت ننگین یک بار با چشم پوشی از تخلفات آشکار عبدالباقی و صدور مجوز بهره برداری پروژه مرگبار

متروپل جان تعدادی از عزیزانمان را ستاندند و این بار میخواهند با اعلام پایان عملیات جستجو فاجعه دیگری را رقم زنند و افرادی را که هنوز احتمال زنده ماندنشان وجود دارد را زنده به گور نمایند و این تصمیمی است که عملا از روز گذشته زمزمه های آن بلند شده است و مردم با ورود مستقیم خود و سازماندهی وسیع کمک رسانی مقابل آن ایستاده اند.

مردم معترض و آگاه آبادان در برابر این سیاست جنایتکارانه ایستاده اند و از همان روز آغاز این فاجعه خود وارد عمل شده و در گروههای سازماندهی شده امر کمک رسانی و بیرون کشیدن انسانها از زیر آوار ساختمان را دنبال میکنند. رساندن غذا و آب و میوه و نوشیدنی نیز بخش دیگری از کمک رسانی مردم به کسانی است که در محل مشغول بیرون کشیدن انسانها از زیر آوار و به خانواده های کسانی است که در محل نشسته اند و منتظر آثار حیاتی از عزیزانشان هستند. بنا بر خبرها در قبل از ظهر روز

گذشته چهار نفر از مردمی که کمک رسانی میکردند بازداشت شدند و دو نفر نیز در بعد از ظهر دیروز دستگیر شدند. مردم خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان و بیرون رفتن نیروی سرکوب حکومت از این شهر هستند.

فاجعه آبادان بیش از پیش بر بی ارزش بودن جان انسانها تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاستهای چپاولگرانه جنایتکارانه اش تاکید گذاشت. حکومت اسلامی در این ماجرا نه فقط از بسیج کمک های لازم و هزینه کردن برای نجات جان مردم سرباز زد، بلکه از ترس بالاگرفتن اعتراضات مردمی در کوتاهترین زمان ممکن انواع تجهیزات و ماشین آلات سرکوب را به میدان آورد. در چنین وضعیتی آبادان یکپارچه خشم و اعتراض است.

شب گذشته مردم آبادان تجمع اعتراضی بزرگی داشتند و با شعارهایی چون "دولت بی کفایت نمیبخوئاهیم نمیبخوئاهیم"، "فرماندار آبادان استعفا استعفا"، "مرگ بر مسئول

بی کفایت"، "باقی جنایت میکنه مسئول حمایت میکنه"، "آبادانی بپاخیز، برادرت کشته شد"، "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت"، و "دروغه. دروغه/ عبدالباقی نمرده"، فریاد اعتراضشان را بلند کردند. امشب نیز مردم آبادان دوباره قرار است تجمع کنند و در منطقه فلکه طوطیا گرد آیند. کارگران پتروشیمی و پالایشگاه آبادان نیز طی بیانیه ای اعلام آمادگی برای آغاز اعتصاب کرده اند. باید وسیعا به این اعتراضات پیوست. باید مسبب مستقیم فاجعه آبادان فوراً محاکمه شوند. باید به مردم آسیب دیده خسارت پرداخت شود و باید حقایق پشت پرده این جنایت آشکار رسماً از جانب حکومت به مردم اعلام شود. تنها راه خلاصی از شر این حکومت ضد انسانی همبستگی مبارزاتی مردم است. ادامه قدرتمند اعتراضات مردمی و فراخوان آمادگی کارگران پتروشیمی و پالایشگاه آبادان برای اعتصاب در همدردی و همبستگی با خانواده های جانباختگان و

برآورده شدن مطالبات مردم، زمینه های گسترش این همبستگی ها را فراهم کرده است.

واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری همه کارگران شاغل در سایت صنعتی منطقه آزاد اروند، کارگران سازمان بنادر، شهرداری ها، کارگران فرودگاه آبادان، کارگران نیروگاهی و دیگر بخش های کارگری در آبادان و در استان خوزستان و معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و جوانان معترض را به حمایت و پیوستن به اعتصاب کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان و به اعتراضات مردمی در این شهر دعوت میکند. همچنین انتظار بیشتریست حمایت ها از سوی مردم در سراسر کشور و از جمله بر پای اعتصابات حمایتی در همبستگی با مردم آبادان است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - واحد خوزستان  
۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۶ مه ۲۰۲۲

پالایشگاه و پتروشیمی آبادان پرخیزید و شعارهایی چون "آبادان تنها نسیت" ، "مرگ بر دیکتاتور" سر دهید. تنها با قدرت متحد خود، با تظاهرات و اعتصابات همبسته و سراسری میتوانیم جمهوری اسلامی را بزیر بکشیم و شرایط فاجعه باری که حکومت به جامعه تحمیل کرده است را پایان بدهیم. سرنگون باد جمهوری اسلامی

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۶ مه ۲۰۲۲

خانواده های جانباختگان آبادان آغاز میکنند و این حرکت به گفتمان اعتراض در دیگر بخش های کارگری دامن زده است. جانباختن شمار بسیاری از مردم در جریان فروریزی ساختمان متروپول نتیجه فساد و تقلب و دزدی در تار و پود مافیای حاکم است که همه چیزش حتی ساختمانها بر بنیاد تاراج بنا شده است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری همه شما مردم آذربایجان و استانهای شمالغرب کشور را فرامیخواند که بهر شکل ممکن به حمایت از مردم آبادان و اعتصاب کارگران

اعتراضات مردم آبادان به خیابان آمده و شعارهای ضد حکومتی سر داده اند. خیزش مردمی از خوزستان و شهرهای جنوب سر بلند کرده و دامنه اش دارد گسترده تر میشود.

این اعتراضات بطور واقعی ادامه اعتراضات مردمی است که در دو هفته اخیر در سی شهر به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. نکته مهم اینست که همراه با تظاهراتهای خیابانی کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان نیز طی بیانیه ای اعلام کرده اند که اعتصاب خود را در همبستگی با

### به مردم آذربایجان

از اعتراضات مردم آبادان حمایت کنید!

پنجشنبه ۵ خرداد

کمیته آذربایجان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran



مرگ بر دیکتاتور" ، "مرگ بر خامنه ای" و "خامنه ای حیا کن مملکتو رها کن" همچنان ادامه دارد. مردم در شهرهای خرمشهر، بندرعباس و شاهین شهر نیز در حمایت از

از اعتراضات مردم آبادان حمایت کنید!

تظاهرات های شبانه در آبادان در اعتراض به فاجعه متروپل و جنایات مافیای حاکم با شعارهایی چون "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم" و "

## اعتصاب کارگران پتروشیمی آبادان در همبستگی با خانواده های جانبختگان مردم آبادان امشب نیز تجمع خواهند کرد

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پتروشیمی آبادان بیانیه ای داده و در اعتراض به چپاولگری که مسبب فاجعه انسانی متروپول شده اند، وارد اعتصاب خواهند شد. بنا بر خبر این کارگران امروز عصر در شهر آبادان تجمع و اعتصاب خود را آغاز میکنند. بیانیه کارگران پتروشیمی در واقع کیفرخواستی علیه کل بساط چپاول و جنایت سرمایه داری مافیایی حاکم است. در این بیانیه کارگران پتروشیمی آبادان خطاب به مردم داغدیده آبادان از آغاز اعتصاب خود تا پاسخ گرفتن همه مطالبات مردمی و پایان دادن به کل این بساط ظم و بربریت سخن گفته و به فریاد اعتراض همه مردم در خوزستان و در کل جامعه علیه جنایتکاران تبدیل شده اند. متن کامل بیانیه چنین است:

"مردم شریف و داغدیده آبادان، خرمشهر، شادگان و شهرهای اطراف!

با عرض تسلیت و با اندوه فراوان به مناسبت این مصیبت جانکاه به اطلاع شما مردم عزیز می‌رساند، ما کارکنان پتروشیمی آبادان معتقدیم که بجای بهره مندی از ثروت سرشار این آب و خاک فقط ظلم، فساد، تباهی و تیره روزی و مرگ است که نصیب ما میشود. و از حاصل کار و تلاش ما، آرامش و آسایش برای ظالمان رانتخواران و بی کفایتان حاصل شده است. ما به خوبی میدانیم که شکایت بردن از دزدان

و غارتگران نزد حامیان آنها کاری عبث و بیهوده است و حاصلی جز تلف کردن وقت و انرژی ما ندارد و امیدی به استیغای حقان از دستگاہهای حامی دزدان نداریم. تنها چاره ای که برای مقابله با این حجم از بی توجهی و رها شدگی شهرهای استانمان که منجر به وقوع این فجایع دردناک و جگر سوز شده است، در پیش رو داریم، اینست که از موضع قدرت عکس العمل نشان داده و همبستگی و اتحاد خودمان را به نمایش بگذاریم. ما اقدام به اعتصاب یکپارچه و سراسری در پتروشیمی آبادان خواهیم کرد و تا روشن شدن وضعیت شهر در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی، امنیت و آسایش و بر آورده شدن تمام مطالبات به حق مردم از رفتن به محل کار خودداری خواهیم نمود. این تنها کاریست که ما مردم از دستمان بر میآید و اتفاقاً موثرترین اقدام نیز هست. ما در این استان نه تنها از هیچگونه حق شهروندی، بلکه از کمترین حقوق انسانی هم برخوردار نیستیم. ما در کنار پرآب ترین رودخانه آب شیرین با لب تشنه و با چشمانی کور شده از ریز گردها در زیر آوار ظلم و ستم مسئولین بی وجدان دفن میشویم. نه آب داریم، و نه هوا و نه سهمی از ثروتمان. حالا این صبر و تحمل، شکیبایی، شرافت و نجابت ما کار را به جایی رسانده که جان عزیزترین کسانمان را می گیرند و خم به ابرو نمی آورند. ما ظلم پذیر نیستیم و کاری که از دستمان بر می آید را برای حفظ جان و مال خودمان انجام میدهیم و یکبار برای

همیشه کار رو تمام میکنیم. برای قطع دست دزدها، مسببین و عاملین این فجایع و گرفتن سهم شهرمان از این بی شرفها در روز پنجشنبه مورخ ۵ خرداد ۱۴۰۱ با حضور در مراسم عزاداری عزیزان از دست رفته و ابراز همدردی با خانواده های جانبختگان اعتصاب خود را آغاز خواهیم کرد. ما مردم آبادان، خرمشهر، شادگان و دیگر شهرها اعم از فارس و عرب و بختیاری اعلام میداریم تا رسیدن به تمام خواسته های به حق خود از این اعتصاب دست نخواهیم کشید و تمام وعده ها و ترفندهای فریبکارانه شما را ناکام خواهیم گذشت. دیگر بس است چقدر ظلم؟ چقدر تحمل؟ مگر دیگر چه داریم که با اعتصاب نگرانی از دادن را داشته باشیم؟ از عموم مردم غیور آبادان و خرمشهر دعوت میکنیم که روز پنجشنبه با حضور خود در بهشت زهرا از این حرکت حق خواهانه حمایت کرده و فریاد دادخواهی خود را بلند کنند. ظلم کافیت!"

از سوی دیگر شمار زیادی از مردم آبادان امروز بر مزار جانبختگان این فاجعه تجمع میکنند و سپس برای دومین شب متوالی ساعت ۱۰ امشب در اعتراض به فاجعه فروری سازی ساختمان متروپول در مقابل آوارهای این ساختمان تجمع خواهند کرد. در تجمع اعتراضی شب گذشته که در مقابل خرابه های دو قلو متروپول برگزار شد جمعیت زیادی شرکت داشتند و با شعارهایی چون "فرماندار آبادان استعفا استعفا"، "مرگ بر مسئول بی کفایت"، "باقی جنایت میکنه مسئول حمایت

میکنه"، "آبادانی بپاخیز، برادرت کشته شد"، "تجمع اعتراضی و عزاداری شبانه آبادانی ها"، "ای اوایلا عزا و ماتمه، شهر آبادان عزا و ماتمه"، "دولت بی کفایت نمیخواهیم نمیخواهیم"، "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت"، و "دروغه. دروغه/ عبدالباقی نمرده"، فریاد اعتراض خود را بلند کردند.

حزب کمونیست کارگری اعتصاب کارگران پتروشیمی در همبستگی با بازماندگان فاجعه متروپول را اقدامی مهم و هوشیارانه دانسته و همه بخش های کارگران در استان خوزستان بویژه کانون های داغ اعتراضی چون مجمع نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و دیگر مراکز نفتی را به پیوستن به این اعتصاب فرا میخواند. بلایی که امروز بر سر ساختمان متروپول آبادان آمد، چند سال پیش در ابعادی فاجعه بارتر در تهران نیز جانهای بسیاری را گرفت. همانطور که کارگران پتروشیمی آبادان اعلام کرده اند باید به این بساط

ظلم و چپاول خاتمه داد. حزب بر همبستگی وسیع مردم با بازماندگان فاجعه متروپول در تمام شهرها در سطح سراسری و اعتصابات حمایتی کارگری تاکید میکند. در سطح استان خوزستان نیز باید وسیعا به اعتراض مردم آبادان پیوست.

حکومت اسلامی به جای کمک رسانی به مردم، مزدوران و نیروی انتظامی خود را به شهر آورده است و مردم با خشم خود اجازه تحرکی به سرکوبگران حکومت نمیدهند. بنا بر خبرها در قبل از ظهر روز گذشته چهار نفر از مردمی که کمک رسانی میکردند بازداشت شدند و دو نفر نیز در بعد از ظهر دیروز دستگیر شدند. مردم خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان و بیرون رفتن نیروی سرکوب حکومت از این شهر هستند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۵  
مه ۲۰۲۲





## شهر آبادان در خشم و اعتراض

شماره ۳۲

بدنبال فاجعه فروپاشی ساختمان متروپل آبادان و صدمات جانی و انسانی آن مردم در این شهر سراپا در خشم و اعتراضند. مردم مسبب این جنایت را می شناسند. از هشدارهای قبلی در مورد نا امنی این ساختمان و حرص و از مالک چپاولگر و همدستان حکومتی اش خبر دارند. از پنهانکاری های حکومت و اینکه بجای امداد رسانی سرکوبگران خود را به محل فرستاده است بشدت در خشم هستند.

گزارشات حکومتی از

درگذشت ۱۱ نفر و زخمی شدن دهها نفر خبر میدهند. همچنین هنوز دهها نفر زیر آوار مانده اند. اما آمار واقعی را حکومت از مردم پنهان می کند. علاوه بر صدمات جانی این اتفاق ناگوار، بسیاری نیز کسب و کار خود را از دست داده و خسارت دیده اند. در این دو روز مردم به اشکال مختلف اعتراض خود را بیان کرده و با برگزاری تجمع فریاد خشم و نفرتشان را بلند کرده اند. در ادامه این اعتراضات از سوی گروههایی از مردم برای چهارشنبه چهارم خرداد ماه ساعت دوازده و چهل و پنج دقیقه ظهر در خیابان امیری یعنی در محل حادثه به نشانه همدردی با بازماندگان جانباختگان این

فاجعه بزرگ و همصدایی با مجروحان آن فراخوانی به تجمع داده شده است. در این فراخوان قرار است به یاد جانباختگان این فاجعه شمع روشن شود و با گذاشتن گل در محل یاد این عزیزان گرامی داشته شود.

واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری به خانواده های جانباختگان ساختمان متروپل مراتب همدردی عمیق خود را اعلام کرده و مردم در دیگر شهرها و در سطح کشور را به همصدایی با مردم معترض آبادان فرا میخواند.

مردم آبادان خواستار محاکمه عاملین این جنایت از جمله مقامات و افراد کلیدی دخیل در این اتفاق

ناگوار و در راس آن هلدینگ عبدالباقی هستند که دست پرورده نهادهای امنیتی، مدیران منطقه آزاد اروند، قرارگاه خاتم سپاه و از شریکان تجاری سرداران سپاه و برادرزادگان شمشخانی است.

واحد خوزستان حزب همصدا با مردم جمهوری اسلامی و کل بساط مافیایی آن را عامل و مسبب چنین فجایعی میدانند. مردم می خواهند کسانی که باعث بروز چنین فاجعه هولناکی شده اند در یک دادگاه علنی مجازات و محاکمه شوند و همه چیز بدون پرده پوشی در پیشگاه مردم روشن شود. همه پروژه های ساختمانی که هلدینگ عبدالباقی و میلیاردرهای امثال او در آنها دست داشته اند باید

مورد بازبینی کارشناسان غیر دولتی قرار گیرد نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی که برای سرکوب به آبادان گسیل شده اند باید گورشان را گم کنند. مردم باید اجازه یابند مراسم گرامیداشت جانباختگان را بدون هیچ محدودیتی برگزار کنند. به همه کسانی که در این فاجعه آسیب و صدمه دیده اند باید غرامت کافی پرداخت شود. جمهوری اسلامی باید در مقابل دادخواهی مردم آبادان جوابگو باشد.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری- واحد خوزستان  
۳ خرداد ۱۴۰۱ -  
۲۴ مه ۲۰۲۲

## به مردم ایران در داخل کشور به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

دو هفته قبل همه مردم آزاده در خارج و داخل کشور را به کمک مالی به حزب و کال جدید فراخواندیم. اینجا مورد خطاب ما مردم شریف در داخل کشور هستند. شما دوستداران حزب و تلویزیون کانال جدید، شما کارگران و بازنشستگان، معلمان و پرستاران، زنان، جوانان و دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان شما مردم شریفی که برای رهایی از حکومت اسلامی در اعتراض هستید، شما که از شر دخالت مذهب در زندگی تان، از فقر و تبعیض و بیحقوقی و از ظلم و ستم هر روزه دزدان و جنایتکاران حاکم به تنگ آمده اید، فرامیخوانیم که حزب کمونیست کارگری را هر چه بیشتر تقویت کنید. این حزب همه شما است. حزب کمونیست کارگری. حزب کارگران و اقشار محروم جامعه علیه فقر و محرومیت و استثمار و نابرابری است. حزب زنان علیه تبعیض و بیحرمتی و حجاب اجباری است. حزب جوانان برای رفاه و شادی و عدالت اجتماعی است. این حزب نماینده شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده اسلامی و نماینده تلاش و آرزوهای انسانی شما برای ساختن جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه و بدون دخالت مذهب و آخوند در زندگی مردم است. کانال جدید، تلویزیون این حزب نیز صدای همه شما مخالفین حکومت است. کانال جدید صدای رسای اعتراض و اعتصاب هر روزه شما و تقویت کننده اتحاد و پیوستگی شما برای زیر و رو کردن جهنمی است که حکومت و مفتخوران حاکم بر جامعه حاکم کرده اند.

این حزب به کمک مالی شما مردم شریف و معترض نیاز مبرم دارد. تا بتواند فعالیت های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهد و برنامه های کانال جدید را متنوع تر و با قدرت بیشتری در اختیار بینندگان قرار دهد. هر مقدار که میتوانید به حزبتان کمک کنید.

قدم جلو بگذارید و از دوستان و آشنایان مورد اعتمادتان بخواهید هر مقدار میتوانند کمک کنند. کمک ها را جمع آوری کنید و برای رساندن آن به حزب با شماره تلفن های زیر یا با دوستان حزبی تان در خارج کشور تماس بگیرید.

تلفن های تماس (واتس اپ، تلگرام، سیگنال):

سیامک بهاری: 0046739868051

بابک یزدی:

0014164717138

شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:

00447788988643

## به انقلاب زنانه پیوندید!

این ضرورت امروز ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی است

## مبارزه متشکل و سازمان یافته



پیامگیر تلگرام برای درخواست عضویت و فعالیت در انقلاب زنانه

@sjktamas

سر دبیر: نسان نودینیان  
ادیتور: کاظم نیکخواه

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wgiran

انستگرام: www.instagram.com/wgiran

تلگرام: tg:wgiran.me

وبسایت: www.wgiran.org

لیست شماره ۶  
کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب و کانال جدید

این هفته نیز تعدادی از دوستان در پاسخ به فراخوان حزب به این کمپین پیوستند و مبلغ ۵۰۵۰ دلار دیگر به فراخوان حزب کمک کردند و بدینترتیب مبلغ ۱۲۳۴۵۰ دلار آمریکا در شش هفته گذشته جمع آوری شد. صمیمانه از تک تک شما که به این فراخوان جواب دادید قدردانی میکنیم.

کمپین یک ماهه حزب پایان یافت اما تلاش هر روزه ما برای جمع آوری کمک مالی و گسترش امکانات و فعالیت های حزب و کانال جدید ادامه خواهد یافت.

دست همگی شما را صمیمانه میفشاریم.

لیست ۶

جمال داروند ۱۰۰ دلار استرالیا  
اسعد حیدری ۵۰ دلار استرالیا  
شیروان ۵۰ دلار استرالیا  
چیا محمودی ۵۰ دلار استرالیا  
داریوش رهایی ۲۰۰ دلار استرالیا  
ارسلان ناظری ۵۰ دلار استرالیا

جمع لیست نشش ۵۴۱۰ دلار آمریکا

کیوان الله وردی ۱۰۰ یورو  
مهناز جعفری ۱۰۰ یورو  
آقای حمیدی ۲۰۰۰ دلار (جمعا ۳۰۰۰ دلار)  
پیام آذر ۳۰ یورو (جمعا ۱۸۰ یورو)  
ابی خطایی ۱۰۰۰ کرون  
میز کتاب فرانکفورت حزب ۴۰ یورو  
بهنام رودگرمی ۱۰۰۰ دلار کانادا  
ج. دوست پروین ۳۰ یورو  
دوستدار از آمریکای شمالی ۵۰۰ دلار  
غلام جمالی و آذر پویا ۶۰۰۰ کرون  
جمشید زمانی ۱۰۰ دلار استرالیا

برای پرداخت کمک های خود میتوانید از طریق شماره حساب های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید.

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج  
سیامک بهاری: 0046739868051

از آمریکای شمالی:  
بابک یزدی:  
0014164717138

تماس از ایران  
شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:  
00447788988643

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3  
Bankkontonummer: 9960264 1223793  
IBAN: SE1095000099602641223793  
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank  
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23  
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Bank: NatWest

Account holder: WPI  
Account number: 45477981  
Sort code: 60-24-23  
IBAN: GB77NWBK60242345477981  
BIC: NWBKGB2L